

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۴۱

جمعه ۱۷ آذر ۱۳۹۶، ۸ دسامبر ۲۰۱۷

چگونه حزبی شدم

گلاره شاد

صفحه ۶

گزارش و اخبار کوتاه از جنبش دفاع از
حقوق رنگین کمانی ها در هفته دوم
آذرماه ۱۳۹۶

صفحه ۱۱

پیام به مناسبت سالگرد تاسیس حزب
کمونیست کارگری ایران

آزاده دریندی و آرش دشتی

صفحه ۱۳

گزارش و اخبار کوتاه از دانشگاه های
ایران در هفته دوم آذرماه ۱۳۹۶

صفحه ۱۳

در آستانه ۱۶ آذر دانشجویان چندین
دانشگاه دست به تجمع زدند

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۳

زنده باد حزب!

سخنرانی حمید تقوایی لیدر حزب به مناسبت بیست و ششمین سالروز تشکیل

حزب کمونیست کارگری در شهر کلن آلمان

صفحه ۲

نقش مدیای اجتماعی و فراخوانی به قطب چپ جامعه

اصغر کریمی

صفحه ۴

کانال جدید دستاورد کمونیسم کارگری منصور حکمت
است!

پرسش از کیوان جاوید در باره کانال جدید بمناسبت بیست و ششمین سالگرد

تاسیس حزب کمونیست کارگری

صفحه ۵

چپاول تامین اجتماعی و خطر ورشکستی آن

شهلا دانشفر

صفحه ۷

بچه ها و غریبه ها!

مصطفی صابر

صفحه ۹

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۱۰

از اسلام برگشتگان

کاظم نیکخواه

صفحه ۱۳

دختران در صفوف اول اعتراضات دانشجویی بمناسبت
روز دانشجو

شیرین شمس

صفحه ۱۴



زنده باد حزب!

سخنرانی حمید تقوایی لیدر حزب به مناسبت بیست و ششمین سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری در شهر کلن آلمان

من هم به سهم خودم به همه شما خوشامد میگویم و همچنین بیست و ششمین سالگرد تشکیل حزب را به همه شما، به همه اعضا و کادرهای حزب، و به همه مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم تبرک میگویم.

در این جا فرصت نیست که حتی به معرفی نسبتاً جامع حزب بپردازم. فقط در این فرصت میخواهم به چند خصیصه حزب کمونیست کارگری اشاره کنم که فکر میکنم ترسیم کننده چهر واقعی حزب ماست.

اولین خصیصه این است که حزب کمونیست کارگری حزب دنیای معاصر است، حزب اواخر قرن بیست و حزب گذار به هزاره دوم. حزب زمانی تأسیس شد که بورژوازی جهانی پایان کمونیسم را اعلام کرده بود. حزب در مقطعی تشکیل شد که شوروی در حال فروپاشی بود و سرمایه داری بازار آزاد داشت پیروزی را جشن میگرفت. این دوره در خاورمیانه با جنگ خلیج و حمله نیروهای غربی به منطقه شروع شد و شرایطی پیش آمد که همانطور که منصور حکمت پیش بینی کرد انواع نیروهای اسلامی و قومی و مذهبی و نژادی نه تنها آن منطقه بلکه بعداً کل دنیا را به جولانگاه و میدان افسار گسیختگی خودشان تبدیل کردند. آن دنیای تحت فشار این توحش، توحش بورژوازی که از دوران جنگ سرد بیرون آمده بود و میخواست دیوار برلین را بر سر کمونیستها خراب کند، بر سر ایده آلهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه کمونیستی خراب کند، این دنیا به حزبی احتیاج داشت که در برابر این هجوم به تنها بایستد بلکه تعرض کند و در این مقطع بود که حزب کمونیست کارگری متولد شد.

حزب کمونیست کارگری، حزب تمام کارگران دنیا، حزب توده های مردمی که بعداً نود و نه درصدیها نامیده شدند، یعنی اکثریت عظیم

مردم دنیا که منافعی در ادامه و بقای سیستم سرمایه داری ندارند و آزادی و رهای از این سیستم را میطلبند، و حزب تمام کسانی است که قلبشان برای انسان و انسانیت میطپد. حزب کمونیست کارگری ایران اگر در آن زمان تشکیل نمی شد کمونیسم رادیکال و معترض به قرن بیست و یکم پا نییگذاشت. تقریباً هیچ رگه ای از آن باصطلاح کمونیسم قرن بیستمی وجود نداشت که بتواند بایستد و به پیش برود.

حزب کمونیست کارگری نفس تشکیلش تعرضی بود به آن دنیای در هم ریخته و افسار گسیخته سرمایه داری پسا جنگ سرد. ما دیدیم که در آن دوران از یک طرف انواع دولت های اسلامی و نیروهای تروریستی اسلامی و از طرف دیگر دولت آمریکا و متحدانش بعنوان ژاندارم منحصر به فرد دنیای جدید در مقابل هم قرار گرفتند. آنچه ما بعنوان جنگ تروریستها به دنیا شناسانیدم و در مقابل هر دو قطب ایستادیم و تا امروز ایستاده ایم و مبارزه میکنیم. تمام پیش بینی های منصور حکمت در "طلوع خونین نظم نوین جهانی" به وقوع پیوست. هم جنبه های منفی اش و هم جنبه های مثبتش. جنبه منفی به این معنی که به گفته منصور حکمت این هیاهو که قرار است بعد از فروپاشی شوروی در خیابانها شیر و عسل روان بشود و همه آزاد و مرفه باشند به سرعت فرو میریزد و عقب مانده ترین، ارتجاعی ترین و جنایتکارترین نیروها و دولتها جلو می آیند و میدان دار میشوند. عیناً این اتفاق افتاد. و مثبت به این معنا که منصور حکمت میگفت این موقت است، این دوره سیاه گذراست این تمام خواهد شد و جهان متمدن به حزبی احتیاج دارد که در مقابل این دنیا بایستد و پرچم رهایی و آزادی و برابری و انسانیت را بلند کند. حزب کمونیست کارگری ایران این نقش را

ایفا کرد. این ضرورت، این نیاز پایه ای نه تنها ایران و منطقه بلکه نیاز کل دنیا به چنین حزبی بود که اجازه داد حزب کمونیست کارگری در آن دنیای سیاه قد راست کند، جلو بیاید، قوی شود و نفوذ پیدا کند و به موقعیتی برسد که حزب ما امروز پیدا کرده است.

به یک معنای دیگر هم، این حزب، حزب کمونیسم عصر ما است. به این معنا که باصطلاح کمونیسم های قرن بیستمی، کمونیسم های ضد امپریالیسم، ضد فئودالیسم، ضد استعماری، ناسیونالیست و ملی مذهبی، "کمونیسم" های فرهنگ و صنعت خودمان، همه به هر جنبشی متعلق بودند بجز جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر.

شرایط سیاسی - اقتصادی قرن بیست این وضعیت را ایجاد کرده بود. انقلاب اکتبر چنان کمونیسم را محبوب کرده بود که هرکسی در هر گوشه جهان به هر گوشه ای از وضع موجود اعتراضی داشت خودش را کمونیست مینامید. معترضی که میخواست چین صنعتی شود و دست امپریالیسم را قطع کند و نظام نیمه مستعمره و نیمه فئودال را بهم بریزد بخودش میگفت کمونیست. کسی که در جهان سوم میخواست در مقابل امپریالیسم آمریکا بایستد بخودش میگفت کمونیست، کسی که در ایران میخواست صنایع مادر داشته باشد و بتواند سوزن بسازد و صنعت پیش برود به خودش میگفت کمونیست. کمونیست کارگری نام کارگری بر خودش گذاشت چون کمونیسم ضد سرمایه بود. اگر در ایران دیکتاتوری شاه جای خودش را به جمهوری اسلامی داد که با جنایت هایش رژیم شاه را رو سفید کرده است، این سلطه مذهب دوران فئودالی، مذهب دوران قاجار و صفوی نیست، این دیکتاتوری سرمایه داری در اواخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ است. بورژوازی جهانی پشت خمینی آمد تا بتواند

این نوع دیکتاتوری را اعمال کند. انقلاب ۵۷ بنظر من اولین انقلابی بود که روشن و سر راست و صریح علیه سرمایه داری بود. جنبش ملی کردن صنعت نفت تمام شده بود، جنبش صنعتی کردن به نتیجه رسیده بود، اطلاعات ارضی شده بود و طبقه کارگری به میدان آمده بود که دیگر انتقادهای نیم بندی مثل صنعت نداریم و عقب مانده هستیم و صنایع مونتاژ و کالاهای بنجل و غیره دردش را بیان نمیکرد، هدف و آرزوهایش را بیان نمی کرد و نطفه های کمونیسم کارگری از همان دوره بسته شد. انقلاب ۵۷ اولین انقلاب به معنی اخص و دقیق کلمه ضد سرمایه داری در کشورهای جهان سوم است و حزب کمونیست کارگری ریشه اش اینجاست. به این معنا هم حزب کمونیست کارگری، حزب دوران معاصر است. دوران معاصر یعنی دهه های آخر قرن بیست و آغاز قرن بیست و یک. دوران گذار از نظامهای ماقبل سرمایه داری در قرن گذشته به سلطه کامل سرمایه داری بازار آزاد بر جهان قرن بیست و یکم.

اینکه چرا این حزب در ایران شکل گرفت، این هم تصادفی نبود. از یک طرف جمهوری اسلامی ستون فقرات آن اسلام سیاسی بود که بعد از جنگ خلیج و به اصطلاح در نظم نوین جهانی تازه افسار گسیخت و بر روی مردم منطقه تیغ کشید. جمهوری اسلامی در محور و مرکز تاریخی و نگران اینکده مراحل

افسار گسیخته شد. آن شرایط کمونیسمی را ایجاد میکرد که ماهیت ضد انسانی و سرمایه دارانه این حکومت را بتواند افشا کند و درمقابلش بایستد و جواش را بدهد. چپ های آن دوره، کمونیسم ها غیر کارگری، اهل این کار نبودند و میدان را خالی کردند. بخصوص بعد از فروپاشی شوروی هر کس به این فکر افتاده بود که لابد دموکراسیش کم بوده و باید کسی حقوق بشری و دموکراسی پناه بشود که بتواند به بقای سیاسی خودش ادامه دهد. در نقطه مقابل این هزیمت چپ سنتی، حزب کمونیست کارگری اعلام کرد جواب دنیای پسا جنگ سرد پافشاری بر خصلت کارگری کمونیسم و خصلت سوسیالیستی کمونیسم است. و دقیقاً این ضرورتی بود که دنیا میطلبید. نه فقط کارگران ایران و مردم ایران بلکه مردم دنیا این را میطلبیدند.

خصوصیت دیگر حزب ما که میتوان نتیجه ویژگیهایش را اشاره کرد دانست، اینست که این حزب، حزب عمل است. حزب کمونیسم عملی است. از این ویژگی منصور حکمت به عنوان مهمترین خصیصه حزب نام میبرد: حزب "پراکتیکال"، حزب "ماتریالیسم پراتیک". حزبی که امرش تغییر جهان است، تغییر فوری جهان همین امروز و برای همین نسل حاضر. ما حزب تکامل تاریخی و نگران اینکده مراحل



حزب اول ماه مه سنجید است، حزب ما حزب جشن آدم برفیها در کردستان است، حزب ما حزب کولبران مریوان است، حزب ما حزب بیحقوق ها، حزب داغ لعنت خوردگان است. حزب ما حزب کمونیسم کارگری ضد سرمایه داری است.

اجازه بدهید صحبت هایم را با یاد منصور حکمت تمام کنم. بدون منصور حکمت، بدون ژرف نگری، تنویر، بدون رادیو کالیسم و تیز بینی سیاسی، بدون انقلابیگری همه جانبه اش، این دستاوردها و این موقعیت را امروز حزب ما نداشت. منصور حکمت زود از میان ما رفت، جای او در میان ما خالی است ولی تنویرهایش، نظراتش، متدش، جهتش، خطش و سیاستش و استراتژی زنده است، با ماست و همیشه با ما خواهد بود.

زنده باد منصور حکمت
زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران

عملگرایی مان میگیریم و این عمل گرایی ما جزو تعریف ماست. هر آدمی که به هر گوشه از این نظام اعتراض داشته باشد امروزه ناگزیر است سوسیالیست باشد، برای اینکه رها شود باید سوسیالیست باشد، و برای اینکه واقعیات را عمیقاً بشناسد و بتواند ریشه ای تغییرش بدهد باید مارکسیست باشد. این مبانی حزب کمونیست کارگری است. ما با عمل شروع میکنیم و به تئوری دست میریم نه برعکس. بر خلاف بسیاری از چپ هایی که برای اینکه به آنها ثابت کنید باید علیه حجاب جنگید میبایست از مارکس و لنین و تزه های فویرباخ دهها نقل قول بیاورید، ما به این نقل قولها احتیاجی نداریم. اگر مارکس و کمونیسم جواب ما را نمیداد حتماً تئوری دیگری پیدا میکردیم. آنچه مسلم است این دنیا انسانی نیست، آنچه مسلم است در این دنیا انسان آزاد نیست. انسان باید آزاد شود، باید رها شود، این دنیا دون شان انسانیت است.

این را ما در تجربه زندگی هر روزه مان دیده ایم. و بر مبنای تجربه خود زندگی است که مارکسیسم برای ما بعنوان تئوری زنده، رهاییبخش، امید بخش و پیشرو مطرح میشود. امر ما انقلاب است امر ما تغییر انقلابی وضع موجود است. به این خاطر است که حزب ما را در همه جا می بینید.

امروز حزب ما حزب محمد جراحی ها است، حزب جنبش کارگری در ایران است، حزب سکنیه محمدی ها و کبرا رحمان پورها و ریحانه جباری هاست، حزب ما

عرصه مبارزه پناهندگان و دفاع از حق و حقوق کودک و علیه تخریب محیط زیست هستیم. در تمام اینها نقش سرمایه داری را میبینید. برای آزادی و رهایی بقول مارکس باید دست به ریشه برد و حزبی میتواند دست به ریشه ببرد که با نقد سوسیالیستی به جنگ این مصائب برود و این راز عمل گرایی ماست.

یک بعد دیگر عمل گرایی ما این است که انقلابیگری ما و اعتراض ما از تئوری در نمی آید. لازم نیست کسی بیاید ما را قانع کند که باید علیه حجاب بجنگیم، لازم نیست کسی ما را قانع کند که علیه اعدام و یا برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم، ما دردمان این است و حقانیت مارکسیسم برای ما این است که جواب اینها را دارد نه برعکس. مارکسیسم ما را به حقانیت مبارزه برای آزادی زن یا مبارزه علیه تخریب محیط زیست یا دفاع از حقوق کودک رسانده است، اینها درد و امر ماست. امر هر انقلابی واقعی که ممکن است قبلاً حتی یک کتاب و نوشته مارکسیستی و کمونیستی ورق زده باشد.

انقلابیگری ما بر تئوری پیشی میگیرد. برای ما که این دنیا را نمیشناسیم و میخواهیم از بنیاد تغییرش بدهیم آن تئوری و آن خط و بینشی که راه نشان میدهد و آن جهت و آن اقلی که هدف مان را تعیین میکند مارکسیسم و کمونیسم و سوسیالیسم است. ما اعتبار و حقانیت ایدئولوژی و تئوری مان را از

است به این دلیل که سرمایه داری در این هزاره بر همه دنیا حاکم شده است. زمانی، در نیمه قرن گذشته، سرمایه داری میتوانست ادعا کند که اگر ایران عقب مانده است به این دلیل است که هنوز فئودالیسم در ایران بیداد میکند، خود شاه و دربار یکی از زمین دارهای بزرگ ایران بودند، بیسوادی و فقر و فلاکت بیداد میکرد و اکثریت عظیم مردم روستاها از کمترین امکانات زندگی محروم بودند. در چنین شرایطی یک لیبرال یا یک دمکرات نمیتوانست بگوید من ضد سرمایه داری نیستم ولی میخواهم اصلاحات ارضی بشود، میخواهم مملکت دانشگاه داشته باشد و زن حق رای داشته باشد و صنعت رشد کند و غیره. اما وقتی بعد از اصلاحات ارضی همه اینها حاصل شد ولی هنوز جامعه در فقر و بی حقوقی بسر میبرد کارگر ایران بلند شد و به جنگ شاه و حکومتش رفت و انقلاب ۵۷ اتفاق افتاد.

این واقعیت که سرمایه داری ریشه همه بدبختیها و مسائل دوره ماست آن تقسیم بندی کلاسیک مسائل به دموکراتیک و سوسیالیستی را تمام کرد. امروز هر مسئله ای هست ریشه اش سرمایه داری است و هر آزادیخواهی ناگزیرست سوسیالیست باشد. لنین این را در انقلاب اکتبر میگفت که هر دموکراتی باید سوسیال دموکرات باشد. این گفته صدها درجه بیشتر و به معنای جامعتری برای عصر ما صادق است. هر آزادیخواهی، هر دموکراتی، هر معترضی به هر گوشه ای از رنج و بدبختی و مشکلات جامعه، باید سوسیالیست باشد. راه دیگری نیست چون ریشه همه مسائل و بدبختیهای عصر ما سرمایه داری است.

این نقطه عزیمت عملگرایی حزب ما است. ما در هر ظلمی چهره کریه سرمایه را میبینیم و در برابرش راه حل نجات بخش طبقه کارگر را قرار میدهم. به همین خاطر است که ما در عرصه مبارزه علیه اعدام هستیم، در عرصه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی هستیم، در عرصه مبارزه علیه نسبیت فرهنگی در همه جهان هستیم، در عرصه مبارزه علیه سنگسار و مذهب و دفاع از حقوق همجنسگرایان هستیم، و در

تاریخی چطور پشت سر هم می آیند نیستیم. رسالت ما ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی نیست. ما حزب سیاست کمونیستی هستیم، حزب "ماتریالیسم پراتیک" هستیم. حزب تغییر در زندگی انسانهای همین امروز و همین نسل حاضر. این هم یک خصلت ویژه حزب ماست.

چرا؟ این از کجا میاید؟ اینکه ما خیلی آکتیو هستیم، خیلی انرژی داریم، خیلی فعال هستیم، اینها ممکن است بروز و تجلی قضیه باشد ولی آن کوره ای که آن زیر میسوزد و انرژی به ما میدهد و ما را ملزم میکند که در هر عرصه ای و در هر جا که کوچکترین تبعیض و بی حقوقی و نابرابری هست بایستیم و مبارزه کنیم، آن کوره از این واقعیت ناشی میشود که ریشه همه مسائل دنیای ما سرمایه داری است. برای ما مبارزه طبقاتی فقط مبارزه کارگر علیه سرمایه داری در کارخانه نیست، این یک محور مبارزه است ولی مبارزه طبقاتی خیلی وسیعتر و همه جانبه تر است. جواب کارگر به مذهب، جواب کارگر به ناسیونالیسم، جواب کارگر به بی حقوقی زن، به جنگ تروریستها، جواب کارگر به سرکوب و عدم آزادی های سیاسی، جواب کارگر به مشکلات میلیونها مردمی که آواره و پناهنده میشوند، جواب کارگر به تخریب محیط زیست، جواب کارگر به این مساله که حقوق همجنسگرایان به رسمیت شناخته نمی شود، جواب کارگر به میلیونها کودکی که زیر پا له میشوند، این جواب ها را یک حزب میتواند بدهد: حزب طبقاتی طبقه کارگر. حزب کمونیست کارگری به اعتبار برنامه یک دنیای بهتر و همه سیاستهایش این جواب هست. تجسم این جواب است. به این دلیل است که مبارزه ما علیه سرمایه داری به همه عرصه ها بسط پیدا میکنند. در عرصه فرهنگی و اقتصادی در عرصه حقوق مدنی انسانها و در عرصه مبارزه با اسلام سیاسی در سطح جهان و مبارزه با نسبیت فرهنگی در سطح جهان و مبارزه با هر عقب ماندگی که میخواهد این تبعیضات و تمایزات را تثبیت و به بشریت تحمیل کند.

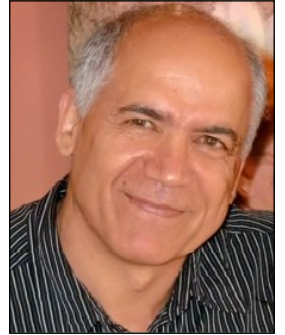
حزب ما حزب گذار به هزاره سوم

Yahsat

کانال جدید

KANAL JADID

فوکانس ۱۲۵۹۴	پلازیو اسون عمودی
سیمبل ریت ۲۷۰۰	اف ای سی ۲/۳



نقش مدیای اجتماعی و فراخوانی به قطب چپ جامعه

اصغر کریمی

نیروی عظیمی آزاد میشود. تا جایی که به حزب کمونیست کارگری مربوط میشود نیز علیرغم استفاده نسبتاً خوب و گسترده ای که از مدیای اجتماعی برای پیشبرد اهداف و سیاست های خود، تقویت مبارزات روزمره مردم، کنار زدن موانع فکری سیاسی این مبارزات و کوییدن افکار و ایدئولوژی های ارتجاعی و در جهت تقویت ایده ها و آرمان های انسانی و سوسیالیستی میکند، اما بطور واقعی تنها گوشه کوچکی از ظرفیت خود را به کار انداخته است. منظوم از حزب کمونیست کارگری از اعضای رهبری تا تکتک اعضا و کادرهای آن و طیف وسیع فعالین و مدافعین آن در ایران است که نیروی قابل توجهی بشمار میاید و میتواند و باید نقشی به مراتب اساسی تر برای خود تعریف کند.

دریچه مهمی به روی توده های وسیع کارگر و مردم معترض به نظم موجود و افکار و ایدئولوژی و فرهنگ و سنت های آن باز شده است. امکانی در دسترس طبقه استثمار شده قرار گرفته که هیچگاه در تاریخ نمونه اش وجود نداشته است و هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از آن نیست. جامعه تشنه آگاه شدن، به میدان آمدن و اعتراض کردن و سازمان دادن خود و تشنه تغییرات عمیق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. حتی یک ساعت نباید فرصت را از دست داد. فراخوان من به فعالین و تشکل های کارگری، به چهره ها و شخصیت های سوسیالیست و بانفوذ کارگر و معلم و نویسنده و هنرمند، به رهبران اعتصابات و اعتراضات کارگری، به دانشجویان سوسیالیست و آزادیخواه، به جوانان ضد مذهب و پیشرو، به زنان معترض و به کمونیست های کارگری این است که خود را برای حضور قدرتمند در مدیای اجتماعی سازمان دهند و با تمام قوا این ابزار را به اهرم مهم متحد کردن و متشکل کردن مردم در مقابل نظام حاکم و در مقابل افکار و سیاست های جریانات مرتجع و عقب مانده، قومپرست و ناسیونالیست و کلیه مدافعین نظم موجود و به نفع گسترش ادبیات مارکسیستی و نقد سوسیالیستی به جامعه تبدیل کنند.

من نه. يك صدم ظرفیت چپ هنوز به کار نیفتاده و جبهه های مبارزه را بخوبی در مدیای اجتماعی تعریف نکرده است. منظوم از چپ نه صرفاً حزب کمونیست کارگری بلکه طیف گسترده معلمان و کارگران چپ و آزادیخواه، زنان معترض، مدافعین و فعالین حقوق کودک، اکثریت دانشجویان، آن جنبش عظیمی که در حمایت از زلزله زدگان در سراسر کشور به میدان آمد، هنرمندان و نویسندگان چپ و پیشرو، جنبش عظیم ضد مذهبی و... است. هنوز حضور کارگران در شبکه های اجتماعی محدود است. بقول بازنشستگان صنعت فولاد از جمعیت ۸۵ هزار نفری آنها، تنها ۱۰ هزار نفر در این شبکه ها هستند و به این جمعیت باید اعضای خانواده های آنها را نیز اضافه کرد. قابل تصور است که اگر لااقل صد هزار نفر دیگر از کارگران فولاد و اعضای خانواده های آنها به این شبکه ها پیوندند و در مباحث مختلف و از جمله در سازماندهی اعتراضات و در تلاش برای متشکل شدن، گوشه ای از ظرفیت خود را به کار اندازند چه نیروی عظیمی به میدان میاید و تا چه حد توازن قوا به نفع آنها عوض میشود. تصور کنید اگر کارگران هزاران مرکز کارگری و اعضای خانواده های آنها گروهها و شبکه های خود را بسازند و وارد بحث حول خواست های خود و سازماندهی اعتراضات خود و نیز حول جنبه های مختلف زندگی خود شوند، چه غوغایی پیا می شود، چگونه زمینه برای اعتصابات و اعتراضات وسیع و سراسری فراهم میشود و چگونه تشکل های توده ای همه جا سر بر میاورد. و نیز اگر نیروی وسیع کمونیست ها همسو با اعتراضات و در جهت تعمیق این اعتراضات و تعمیق نقد مردم به نظام حاکم به کار بیفتند و جنبش های ارتجاعی دیگر راه حل ها و گفتمان های آنها به نقد کشیده شود، جامعه فی الحال سیاسی و در حال اعتراض ایران یکسال دیگر کجا خواهد بود و چه

است. مقایسه حقوق مقامات و مدیران رده بالا و پزشکانی که دهها میلیون حقوق میگیرند، مربوط به جناح چپ جامعه است نه راست. شعارهای منزلت و معیشت و رفع تبعیض و غیره و ناسیونالیستی خواستگاهی چپ و سوسیالیستی دارند. و این شعارها و خواست ها در کلیه این گروهها دست بالا دارند. جریانات ملی اسلامی و ناسیونالیست و غیره هم هستند، اما این چپ است که حرف آخر را میزند و دست بالا را پیدا میکند. جریانات ملی اسلامی و راست ترمزی در مقابل همه اینها بوده اند اما گام به گام توسط جناح چپ عقب رانده میشوند. در حال حاضر گفتمانی سازنده و عمیق در همه گروهها و شبکه ها حول وجوه مختلف زندگی، اقتصاد و سیاست و فرهنگ، حول سازماندهی اعتراض و تشکل یابی و غیره جریان دارد. توازن قوا بطور محسوسی عوض شده است. جسارت مردم در خیابان و کارخانه و دانشگاه و در مدیای اجتماعی بیشتر شده و موانع سرکوب عمیقاً توسط مردم به چالش کشیده شده است. در چنین شرایطی میتوان تصور کرد که نه در آینده ای دور بلکه حتی شش ماه دیگر یا یکسال دیگر تا چه حد فضا برای قطب چپ جامعه بازتر و آماده تر شده و تا چه حد جامعه بیشتر به چپ چرخیده است.

سوال اساسی اما این است که آیا چپ جامعه بخوبی از این فرصت استفاده میکند؟ آیا بخوبی اهمیت این ابزار و تغییراتی که در شرف وقوع است را میبیند؟ آیا به ظرفیت عظیم خود برای شکل دادن به افکار عمومی واقف است؟ آیا در این عرصه که نسبتاً تازه است اتفاق روشنی دارد و آیا در مقابل جنبش های دیگر که آنها نیز در ابعادی وسیع مشغول شکل دادن به افکار عمومی هستند نیروی خود را به میدان آورده و جبهه های مبارزه نظری و سیاسی و مبارزاتی اش را علیه آنها تعریف کرده است؟ بنظر

میکند، با هم بحث میکنند، به نظرات مختلف برخورد میکنند و شبیه يك مجمع عمومی همفکری و تبادل نظر میکنند و حرکت سازمان میدهند. بهررو پیدایش مدیای اجتماعی يك تحول تاریخی است که تا همین الان منشاء تحولات و حرکت های بزرگ و تاریخی بوده است. در ایران که خبری از آزادی بیان نیست و حتی يك دقیقه وقت رسانه های عمومی، دقیقاً به دلیل اهمیت آن، در اختیار کارگر و احزاب چپ و کمونیست قرار نگرفته و برعکس بخش چپ جامعه مورد سرکوب شدید است و استفاده از مدیای اجتماعی نیز با انواع محدودیت روبروست، قطب چپ جامعه به سرعت و در ابعادی وسیع شروع به استفاده از مدیای اجتماعی کرد تا در مقابل دولت و طبقه سرمایه دار و مذهب و ناسیونالیسم و افکار عقب مانده و ایدئولوژی های ارتجاعی قد عمل کند و خود را نشان دهد. در شرایطی که اکثریت جامعه نیاز به برنامه و پلاتفرم های چپ، نقد مارکسیستی از نظام حاکم و راهکارهای چپ و کمونیستی دارد. حرف چپ بسیار خریدار دارد. کارگران و اکثریت مردم از مناسبات اقتصادی، تبعیضات، بی حقوقی ها و محرومیت های مختلف رنج میبرند و نقدهای آبیکی و راه حل های به اصطلاح اصلاح طلبانه پاسخی به اوضاع مشقت بار کنونی ندارد و جواب مردم را نمیدهد. مردم نقد ریشه ای میخواهند و راه حل های اساسی. و این نقدها و این راه حل ها از چپ شنیده میشود نه از راست، نه از جریانات اسلامی و ناسیونالیست. به همین دلیل است که در گروههای مختلف مربوط به دانشجویان، معلمان و بازنشستگان و کارگران، فضا بسرعت به چپ چرخیده است. دستمزد بالای خط فقر و درمان رایگان و تحصیل رایگان خواست جناح راست جامعه چه حاکم چه اپوزیسیون نیست. دیدگاهی تماماً سوسیالیستی و چپ

با قرار گرفتن مدیای اجتماعی در دسترس توده های عادی مردم، انحصار مطلق طبقه حاکم بر رسانه شکسته شده است. کارگران و احزاب و فعالین چپ و سوسیالیست امکان یافته اند در ابعاد وسیعی نظرات خود را به گوش دیگران برسانند، اعتراض سازمان بدهند، خواست های خود را منعکس کنند، نقد خود را به جامعه مطرح کنند و با طبقه مفتخور دریفتند، همفکران خود را پیدا کنند، دستشان را در دست هم بگذارند، متحد شوند و گوشه ای از قدرت خود را به میدان بیاورند. قبلاً این امکان را نداشتند. رادیو و تلویزیون ها و روزنامه ها، منبرها و تریبون ها همه در دست احزاب و نمایندگان طبقه حاکم بود. با آمدن مدیای اجتماعی توازن قوا عوض میشود. کارگر و زحمتکش بویژه در کشورهایی که از آزادی بیان خبری نیست، برای اولین بار در طول تاریخ جایی برای حرف زدن و بحث کردن پیدا میکند. اظهار نظر میکند و نظرات مختلف را میشوند و میتواند انتخاب کند. روشن است که مدیای اجتماعی از جنبه هایی نقش رسانه هایی مانند رادیو و تلویزیون های ۲۴ ساعته با کیفیت و امکانات مالی گسترده و روزنامه های کثیرالانتشار را ندارد. اینها امکاناتی است که همچنان در انحصار دولت ها و احزاب حاکم است. اما علیرغم برد محدودتر مدیای اجتماعی در مقایسه با رسانه های حاکم، رسانه یعنی ابزار شکل دادن به افکار عمومی چنان اهمیت دارد که بسرعت فضا را به نفع طبقات پایین جامعه عوض میکند. در عین حال مدیای اجتماعی مزایایی هم نسبت به روزنامه و رادیو و تلویزیون دارد و آن این است که یکطرفه نیست، مردم در مدیای اجتماعی گروههای مختلف سازمان میدهند شبکه هایی درست

کانال جدید دستاورد کمونیسم کارگری منصور حکمت است!

پرسش از کیوان جاوید در باره کانال جدید بمناسبت بیست و ششمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست کارگری



نیروی چپ و رادیکال و انقلابی اینطور توانسته است تا اعماق جامعه نفوذ کند و محبوب بشود. ما در زمینه استفاده از ماهواره برای دیگر نیروهای چپ هم تا حد زیادی الگو شده ایم و اینها اصلا تصادفی نیست.

مخارج و تامین نیرو بخش دیگری از سؤال است. حزب از هیچ دولتی تامین مالی نمی شود. هزینه کانال جدید به کمک فعالین، دوستان، اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری تامین می شود. رفقای حزبی فاندربزینگ می کنند هر ماه مثل اینکه در یک نبرد نظامی شرکت داشته باشند در حال جنگیدن برای حفظ این سنگر مهم هستند. با این وجود بیشترین هزینه صرف اجاره ماهواره است. استودیوها هزینه کمتری می برد و بهرحال همانطور که گفته شد با تلاش هرکولی تیم تامین مالی، هزینه های ثابت پرداخت می گردد. اما یک فرق اساسی کانال جدید به همه رسانه های تصویری استفاده از نیروی داوطلب است. کانال جدید به هیچ مجری و برنامه سازی پول پرداخت نمی کند. همه داوطلب اند و خوب است بدانید وقتی حزب فراخوان کمک مالی میدهد همین داوطلبین اولین افرادی هستند که کمک مالی می کنند.

همه برنامه سازان از میان اعضا و کادرهای حزب و دوستان حزب تامین می شوند. هر برنامه ویژه، مسئول خودش را دارد و زیر نظر جمعی اداره می شود. افراد تازه کار یک دوره فشرده می بینند و با تمرین و پشتکار وارد کار می شوند. مسئولین فنی هم همینطور. کار فنی کانال جدید اصلا آسان نیست. خصوصا برای اینکه ما برای تهیه ابزار فنی با مشکل هم روبرو هستیم و هیچ ابزار فنی ای را تا حد امکان

خودش تامین می کند ساختن یک تلویزیون ۲۴ ساعته که بتواند همه بخش های مختلف جامعه را مورد خطاب قرار بدهد و از وسیعترین بخش های جامعه نیرو بگیرد کار بسیار سختی است. کانال جدید از میان کارگران و زنان و جوانان و معلمان دوستدار و یا خبرنگار دارد. حتی در دور افتاده ترین نقاط ایران بینندگان و طرفداران پر و پاقرصی دارد. بگذارید چند مثال بزنم. از دوستی که تقریبا باید گفت کادر سیاسی کانال جدید در ایران است پرسیدم در منطقه جنوب شرقی ایران پرس و جو بکنم که کانال جدید از نظر فنی و کیفیت پخش در چه وضعیتی است. گزارشش واقعا شادی بخش بود. می گفت حتی در میان چادر نشینان هم با کانال جدید آشنا بودند. می گفت یک مغازه دار بین جاده ای می گفت من طرفدار تلویزیون کانال جدید که مال «حزب کارگری» «کمونیستها» است هستم. یا چند شب قبل دوستی به تلگرام کانال جدید پیغام گذاشت که تی وی مشکل پخش دارد. ضمن اینکه فوراً مشکل را رفع کردیم از او پرسیدم از کجا تماس می گیری جواب داد از اهواز. سؤال کردم چه برنامه هایی را دنبال می کند. جوابش جالب بود: نگاه به چپ، نگاه روز و نان و گل سرخ. وقتی از او خواستم با کانال جدید همکاری کند خیلی خوشحال شد و تشکر کرد که چنین درخواستی از او دارم. نمونه ها فراوان است و طبعاً اگر بخوام طبق مستندات در این مورد بیشتر بنویسم طبعاً چند ویژه نامه انترناسیونال باید نوشته شود تا حق مطلب ادا گردد.

حزب اول به خودش گفته است آیا می خواهی سد سانسور و اختناق را بشکنی و همچنین انحصار بهره برداری از رسانه های اجتماعی را از دست طبقه سرمایه دار و احزاب راست خارج کنی؟ جواب مثبت به سؤال باعث شد ما اینجا ایستاده ایم که همه می بینند. جایی که راست ها باورش نمی شود یک

روز به روز و با آزمون و خطا کانال جدید زبان خاص خود را پیدا کرد و توانست با توده های میلیونی در تماس باشد. فرهنگ نویسی را وارد جامعه کرد و تاثیر غیر قابل برگشتی بر آرا و عقاید بخش وسیعی از جامعه گذاشت. نگاهی به برنامه ها و تولیدات تلویزیون کانال جدید بیندازید و ببینید تنوع برنامه ها تا چه حد زیاد است. بحث و تحلیل سیاسی و مناظره و میزگرد و بازتاب دادن مبارزات روزمره مردم و نقد ناسیونالیسم و مذهب و مبارزه بی امان با جمهوری اسلامی و... تنها بخشی از برنامه های روزانه کانال جدید است. فیلم و موزیک و برنامه های مستند سیاسی و فرهنگی و علمی بخش دیگری از برنامه ها است.

یک نمونه حرف زدن با مردم و که به دلشان بنشیند و برای وسیع ترین بخش های جامعه قابل درک و فهم باشد، برنامه های پخش مستقیم بود. هیچ کدام از مجریان این برنامه از قبل دوره تخصصی ندیده بودند. هر چه بود درک این واقعیت بود که می شود و باید با مردم به زبان «آدمیزاد» صحبت کرد. نه اینکه به زبان غامض و پیچیده که فقط هم خط ها و هم فرقه ای ها و هم کیشان متوجه آن بشوند. ما وقتی در نقد و علیه اعداء صحبت می کنیم هر فردی که در آن جامعه از اعداء جانش به لب رسیده این زبان برنامه سازان کانال جدید را می فهمد و درک می کند. همینطور کسانی که از فقر و ناداری و تبعیض و سرکوب کارد به استخوانشان رسیده با پوست و گوشت خود با کانال جدید ارتباط برقرار می کنند. مجری برنامه لایو بطور مثال ساعتها برنامه اجرا می کرد بدون اینکه حرف هایش را از قبل نوشته باشد یا بخواهد از رو بخواند. فقط آمار و ارقام جلوی دستش بود و بسته به اینکه ببیننده چه می گوید و چه می خواهد از همه وجودش حرف دلش را بیان می کرد. بعنوان یک حزب سیاسی که تمام هزینه های هنگفت مالی اش را

سمپاشی می کنند. این واقعیت روزمره زندگی بشری است.

در دوره جدید و در عصر حاکمیت مدیای اجتماعی انحصار خبر از کنترل غول های خبری وابسته به دولت ها و نظام حاکم بیرون آمده است و یک قدرت دوگانه بوجود آمده است. قدرتی که خواب دول و مدافعان نظام نابرابر و استثمارگر را آشفته کرده است. کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری البته خیلی پیش تر از اینکه مدیای اجتماعی توده ای یا به عرصه ظهور بگذارد وارد این میدان شد.

در عرصه دسترسی به توده های میلیونی مردم از طریق رسانه های سمعی و بصری کار احزاب چپ و کمونیست به مراتب دشوار تر از راستها است. چرا که به دلیل یک عمر سرکوب و کشتار و زندان و خفقان که به احزاب چپ تحمیل شده است تقریباً بخش اعظم چپ عادت به حاشیه نشینی کرده است و نه به صرافت استفاده از این ابزار های اصلی تبلیغی - سازماندهی می افتد، نه زبان حرف زدن با مردم عادی و فعالین اجتماعی و رهبران عملی مبارزات اجتماعی را بلد است. حزب کمونیست کارگری در این عرصه پیشروی های بسیاری داشته است. حزب قدم به قدم یاد گرفته است زبان و فرهنگ حرف زدن با مردم را یاد بگیرد و پیچیده ترین مسائل مبارزاتی و سیاسی را هم برای توده مردم و هم برای پیشروان مبارزات اعتراضی - انقلابی شفاف و غیر غامض توضیح بدهد.

حزب کمونیست کارگری پیش از استفاده تلویزیون کانال جدید، رادیو انترناسیونال را که پوشش سراسری در ایران داشت براه انداخت. کاری که در وقت خودش بسیار بدیع بود. هر چند زمان پخش روزانه این رادیو کمتر از یک ساعت در روز بود اما برای بخش پیشرو و کمونیست جامعه بسیار مفید واقع شد. تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید طبق همان سنت که حزب کمونیست کارگری داشت تأسیس شد.

انترناسیونال: تلویزیون برای

حزب سیاسی یک ابزار مهم و کلیدی برای دسترسی به جامعه است. حزب کمونیست کارگری ایران کانال جدید را دارد؛ کانال تلویزیونی بیست و چهار ساعته که از مارس سال ۲۰۰۳ (فروردین ۱۳۸۲) شروع بکار کرده و کانال شناخته شده ای است، جایگاه مهمی در جامعه بدست آورده و مورد توجه بخش قابل توجهی از فعالین سیاسی و میلیون ها نفر از مردم است. بینندگان کانال جدید چه طیفی هستند؟ این کانال چقدر شناخته شده است و چه نقشی میتواند در تحولات سیاسی داشته باشد. همچنین چه نقشی در پیشبرد اهداف حزب دارد؟ بعنوان یک کانال قدیمی که الان نزدیک به ۱۴ سال از عمرش میگذرد، چه موقعیتی در جامعه پیدا کرده است و چه نقشی می تواند در تحولات سیاسی داشته باشد؟ با توجه به اینکه حزب از سوی هیچ دولتی پشتیبانی نمیشود چگونه از عهده تامین مخارج، برنامه سازی و اداره چنین نهاد پر خرج و کاربری برمی آید؟

کیوان جاوید: اختناق و

سرکوب همراه با مغزشویی و دروغباراکنی علیه قطب چپ و علیه منافع ۹۹ درصدی های جامعه، مهمترین ابزارهای استیلای طبقه سرمایه دار و دولت های بورژوازی است. این یک حکم جهانشمول است. در هر کشوری که زورشان برسد با کشتار و زندان و بستن دهان مردم و طبقه کارگر منافع چپا و لگنان را تامین می کنند. هر کجا که به یمن مبارزات وسیع مردم آزادی های نسبی ای به طبقه و دولت سرمایه داران تحمیل شده است و نمی توانند مستقیماً اختناق سیاسی برقرار کنند، با انحصار رسانه های عظیم بین مردم تفرقه می اندازند، مردم را فریب می دهند و وعده های دروغ میدهند و وقتی اعتصابات و اعتراضات علیه نظام حاکم در می گیرد، آن را بایکوت می کنند و علیه حرکت های اعتراضی

چگونه حزبی شدم

گلاره شاد

بدنبالش بودم. من دنبال مطالبات مردم جامعه برای آزادی و برابری و انسانیت بودم و این را پیدا کردم. حالا هدفم روشن بود. و هر لحظه با هر کار بازتآب و تاثیراتش را در جامعه میدیدم. جالب اینجاست که در ابتدای آشنایی با این جمع، دوستان قدیمی به من هشدار میدادند که حواست باشد، اینها حزبی هستند، اینها حزب کمونیست کارگری هستند. اما جوابشان را همان اول داشتم. در دلم میگفتم من همفکر همین حزب هستم. من هم این همه سال طرفدار فکری بودم که بگه همه انسانها برابرند و فرقی ندارد که جنسیتش چه باشد و یا فراجنسیتی باشد. این چنین بود که گره ها تک به تک برایم باز شدند. و چقدر لذت میبرم که می فهمم این دوستانم چه میگویند. و وقتی به آنها میگفتم چقدر زیبا توضیح میدهند، با طبع بلندشان میگویند منصور حکمت را بخوان تا بیشتر به کنه این بحث ها آشنا شوی. ما هم منصور حکمت را خواندیم. یک دنیای بهتر را خواندیم و اکنون دستانم پر است. من هم رهرو همین روش و بینش شدم.

من که در اول به خاطر اینکه در سیستم سرمایه داری مدرسه رفته بودم و دانشگاه رفته بودم و کار کرده بودم و هر لحظه در زندگی این تفکرات رو به من تزریق کرده بودند که راهی جز رقابت و سود نیست، از همین رو معنای زندگی بهتر رو نمی فهمیدم و در میخيله ام هم نمی گنجید که چطور می شود نوع دیگری هم از زندگی وجود داشته باشد. حالا حرفهای دوستان عزیزم را می فهمم، حالا می فهمید حمید تقوایی از مدینه فاضله غیر ممکن حرف نمی زند. حالا می فهمیدم منظور شهلا دانشفر چیست و و حالا افتخار می کنم که من هم جزئی از این ۹۹ درصدیها هستم که این حزب به آنها تعلق دارد.

جالب اینجاست که مادرم هم که قبلا از کار با محافل چپ سنتی هراس داشت. الان مشوق من است و میگوید من هم فعال چنین حزبی هستم. فعال چنین جنبشی برای رهایی بشریت هستم. این چنین است که حزب به قلب جامعه وارد میشود. سالگرد حزب را تبریک میگویم.

هنوز جابم را پیدا نکرده بودم، همراه این دوستان "اصلاح طلب" به خیابان میرفتم. اما حرف خودم را میزد. اینجا بود که از یکسو شکاف اصلی خودم را با چپ های سنتی که همیشه حاشیه نشین بودند، را دیدم. تا اینکه بعد از سرکوبهای ۸۸ با دوستانی آشنا شدم که مسیر زندگی را عوض کردند. اولین تفاوت این دوستان این بود که از من مسئولیت کاری را خواستند. احساس زیبایی به من دست داد. اما با توجه به تجربه ای که از فعالیت های گذاشته ام داشتم، محتاطانه گفتم: ولی بدانید که من شاغلم و وقت زیادی نمیتوانم بگذارم. صمیمانه لبخند زدند و گفتند که در همان وقتی که داری، هر کاری بکنی، ارزشمند است، چون تو را می شناسم و قابلیت های زیادی داری. پاسخشان به دلم نشست. کار را بر عهده گرفتم و با وجود همه گرفتاریهایم تمام تلاشم را میکردم که آنرا بخوبی به انجام برسانم. شور و حال تازه ای در خودم میدیدم. بویژه در فعالیت های گذشته ام همیشه یک احساس تلخی که داشتم این بود که خیلی پرشور کار میکردم، اما احساس میکردم دیده نمیشوم. پشت صحنه بودم. و تنها دلخوشی ام این بود که داریم کار مهمی انجام میدهم. داریم اعتراضی را به پیش میبریم. این رو بارها در محافل قدیم دیده و شنیده بودم که ما آدمای خاص و باقی مردم عادی هستند و من از این تفاوت قائل شدن متنفر بودم و همیشه به آن اعتراض داشتم و بحث میکردم و بحث ها نیز نتیجه ای نمیداد. اما با این دوستان دریچه دنیای نوینی به رویم باز شده بود که همه چیزش متفاوت بود. در این جمع جدید، خبری از قضاوتهای ایدئولوژیک و اخلاقی نبود، بلکه همه فوکوس این بود که ما مطالبه و اعتراض مشخصی داریم و این مطالبه رهایی همه مردم از این بربریت و نجات انسانهاست. افکار نوینی که دلم را روشن کرد. و این همان چیزی بود که سالها می خواستم اما نمی دانستم چیست و

از زندگی ام شروع میکنم، تا بگویم چگونه حزب را پیدا کردم و چگونه زندگی ام متحول شد.

من در خانواده ای بزرگ شده ام که سیاسی هستند. از اینرو همیشه بر روی خانواده ما حساسیت بوده است. یک شگرد پلیس جمهوری اسلامی همیشه این بوده که در مدارس از بچه ها حرف بکشند و در زندگی انسانها تجسس کند. یادمه اولین بار که کودک دبستانی بودم و بازجویی شدم، با سوالات عجیب و غریب معلم و مدیر مدرسه روبرو شدم. آنها من رو از کلاس درس به دفتر مدرسه بردند و سوالاتی کردند که اصلا برایم مفهوم نبود، و بعد که برای پدر و مادرم تعریف کردند، آنها سعی کردند توضیح دهند که منظور چه بوده است. میخواهم بگویم که این چنین بود که وارد سیاست شدم. نوجوان بودم که وارد نشست های مطالعاتی شدم. اما از بحث ها اصلا سر در نمی آوردم. همه توضیحات بزرگتر ها این بود که این ها را باید بخوانی تا سیاسی شوی و بدانی چرا مخالف وضع موجودی. من هم سرم را تکان میدادم و گیج در افکار خود بود. اما این برایم مسلم بود که این وضعیت را نمیخواهم و از این همه تبعیض و بیحقوقی بیزارم. برای همین پیگیر بودم تا بالاخره به ریشه دست پیدا کنم.

تا سال ۸۸ به همین روال گذشت. از گروههای آنچانی که خود را چپ میدانستند، خسته شده بودم. جمع هایی که چپ بودند اما وقتی افکارشان را خراش میدادی ملی- مذهبی بودند. حتی آرایش کردن و عینک دودی زدن و کمی به سر و وضع خود رسیدن را، به فساد تشبیه میکردند. با محافل اصلاح طلبها که عمدتا طرفداران خاتمی بودند ارتباطی داشتم، و در سال ۸۸ این ها تحرک پیدا کرده بودند. من هم با آنها به خیابان میرفتم و میدیدم فرصتی شده که مردم هم بیرون هستند. میدیدم مردم بخاطر همان چیزهایی که من هم اعتراض دارم به خیابان آمده اند. بنابراین، من که

شما نگاه کنید مردم در چه ابعدی با جمهوری اسلامی در حال نبردند. زنان از مرز بد حجابی به بی حجابی پا فراتر گذاشته اند. حزب و کانال جدید را در این سنگر تمام قد می بینید. جوانان علیه خلاصی فرهنگی اند حزب و کانال جدید اینجا کاملاً آماده و پیشتاز است. اعتصابات کارگری را در جامعه می بیند، حزب و کانال جدید در صف اول بازتآب و رفع موانع سیاسی پیش پای جنبش کارگری است. از اعتصاب معلمان و دانشستگان تا دیگر اعتراضات را مشاهده می کنید و حزب تاثیر گذار ترین نیروی سیاسی بر این جنبش ها است. اگر این حزب و تلویزیونش نبود حالا ما فرسنگ ها از این فرهنگ پیشرو مبارزاتی و اعتراضی و سیاسی دور بودیم. جوامع پیرامونی را ببینید و آن را با ایران مقایسه بکنید. خواهید دید این دستاوردها از آسمان نازل نشده است. صف رهبران علنی مبارزات جاری را ببینید، خواهید دید برای حضور علنی و چهره شدن همه اینها موانعی از طرف این حزب کوبیده و جاده صاف شده است. با این حزب نمی شود مبارزات مردم را تحریف کرد و مثل سال ۵۷ خمینی را در ماه کرد و به مردم فروخت. کاری که بی بی سی بعنوان تنها رسانه در دسترس مردم در انقلاب ۵۷ انجام داد. کانال جدید در تحولات انقلابی که مردم در خیابانند می تواند سریع ترین و وسیع ترین تاثیرات را در صحنه مبارزه بگذارد و برای بسیج مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی تعیین کننده باشد. یک گوشه از کار کانال جدید را در سال ۸۸ دیدم که جمهوری اسلامی برای خنثی کردنش مجبور بود روزانه سنگین ترین پرازیات را با بطرف ساتلایت کانال جدید بفرستد اما موفق به قطع ارتباط ما با مردم نمی شود. هزینه پرازیاتی که جمهوری اسلامی برای خنثی کردن کانال جدید می پرداخت به گفته مسئولان هات برد بسیار سنگین بود. قدرت کانال جدید در واقع بخشی از قدرت حزب کمونیست کارگری ایران است و در تحولات بعدی از این ابزار هزاران بار موثر تر استفاده خواهیم کرد. اینها دستاوردهای کمونیسم کارگری منصور حکمت است.

دور نمی اندازیم. ممکن است کامپیوتری را برای چندمین بار تعمیر کنیم تا مجبور نباشیم یک کامپیوتر جدید بخریم. حتی برای دکوراسیون و نجاری و بناییو ... از نیروهای داوطلب استفاده می کنیم. اذعان می کنید هر تلویزیونی که بخواهد حقوق ۵۰ کارمند فنی را بدهد چه هزینه زیادی متقبل می شود. این را هم اضافه کنم بخش وسیعی از این داوطلبین شاغل هم هستند و بعضاً مستقیماً از سر کار به استودیو می آیند.

کار در کانال جدید یک فرق دیگر هم با رسانه های دیگر دارد. داوطلب بودن یعنی اینکه همیشه این کار باید برای همکاران کانال جدید جذاب و با نشاط باشد. کانال جدید نان کسی را گرو نگرفته است که مجبور باشند بسوزند و بسازند. به این دلیل فرهنگ متفاوتی غیر از فرهنگ حاکم بر محیط بورژوازی باید در پیشبرد کارهای روزانه، حاکم بر کار ما باشد. آنچه که پیشروی و ادامه کاری را ممکن کرده است. آرمان و امید است که همه ما را و میدارد به جلو برویم.

اما برگردیم به موقعیتی که تلویزیون حزب کمونیست کارگری در جامعه پیدا کرده است و نقشی که می تواند در تحولات سیاسی داشته باشد. از آخرینها شروع کنیم. کانال جدید با دهها شخصیت سیاسی و فعالین جنبش های اعتراضی که در داخل ایران زندگی می کنند مصاحبه و گفتگو کرده است و همچنان این کار را خواهد کرد. رهبران این حزب که جمهوری اسلامی بر سرشان جایزه گذاشته است انگار هر روز در خانه مردم نشسته اند. اعتصابی در ایران نیست که فوراً از کانال جدید بازتآب پیدا نکند. به میدان آمدن خانواده های کارگری و شرکت وسیع آنها هملوش همسرانشان در اعتراضات و اعتصابات یک نمونه تاثیر گذاری حزب ما است. حزب فقط آینه مبارزات جاری نیست. به همه این اعتراضات و مبارزات خط می دهد و علیه قوم گراها و ناسیونالیست ها و تفرقه افکنان، جامعه را بسیج می کند. حزب و کانال جدید بقول یک دوست بیننده از ایران، خط قرمز جمهوری اسلامی است.



چپاول تامین اجتماعی و خطر ورشکستی آن

شهلا دانشفر

جواب دهد. اما از ارائه این خدمات هیچ خبری نیست. بطور مثال خدماتی که تحت عنوان خدمات درمانی به کارگران ارائه میشود، سطح آن آنچنان پایین است و برای استفاده از آن صف های طولانی هست، بسیاری از کارگران ناگزیر به درمان با هزینه شخصی خود هستند و بخش بزرگی از درآمد آنان صرف درمان و دارو میشود. بویژه اینکه بسیاری از بیمارستانهای وابسته به تامین اجتماعی به بخش خصوصی سپرده شده است و این خود وضع را وخیم تر کرده و یک موضوع اعتراض کارگران است. به این ترتیب میلیونها کارگر و بازنشسته عملا از حق بیمه درمانی برخوردار نیستند، و آنها هم که دارای دفترچه ای بنام بیمه درمانی هستند، دفترچه هایشان، در بیمارستانهای دولتی، در بیمارستانها و درمانگاههای خصوصی و داروخانه ها، دارای اعتبار نیست. بخشی از کارگران نیز بدلیل نپرداختن حق بیمه شان از سوی کارفرما به این صندوق حتی از هم حداقلها هم محرومند.

نمونه دیگر وضعیت بازنشستگان است. بنا بر آمارهای جمهوری اسلامی جمعیتی حدود ۴۰ درصد از بازنشستگان که اساسا کارگران کارگاههای کوچک، خانگی، کشاورزی، ساختمانی و طبعا زنان مسنی هستند که تمام طول عمر جوانی خود را در خانه کار کرده اند، از هیچگونه حقوق بازنشستگی ای برخوردار نیستند. در نتیجه این بخش از کارگران بازنشسته پس از سالها کار کردن، ناگزیر وابسته به فرزندان خود هستند و در فقر و تحقیر هر روزه روزگار میگذرانند. آن بخش از بازنشستگانی هم که تحت پوشش تامین اجتماعی رژیم اسلامی قرار دارند، با مستمری ای چند بار زیر خط فقر در محرومیت کامل بسر میبرند. ضمن اینکه

کارگران و مردم جامعه را سرکیسه کند. اما هر بار با موج اعتراضات کارگری روبرو شده و طرحهایش به شکست رسیده است. سرانجام طرحهای بعدی شان نیز همین خواهد بود. خصوصا در شرایطی که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد. در شرایطی که محیط های کارگری سرشار از اعتراض و مبارزه است. در شرایطی که اعتراضات کارگران و بخش های مختلف مردم هر روز ابعاد سراسری تری بخود گرفته و سازمانیافته تر و متحد تر به جلو میروند. از جمله خواستههایی چون بهداشت و درمان رایگان، تحصیل رایگان، بیمه بیکاری، مسکن مناسب و داشتن یک زندگی انسانی هر روز بیشتر به خواستههای محوری مبارزات کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه تبدیل میشود، میتوان نه تنها تعرضات حکومت اسلامی را سد کرد. بلکه اکنون که بحث بر سر تامین اجتماعی به میان آمده است، به عنوان مدعیان صندوق به غارت رفته آن، اولاً باید خواستار بازگشت پولهای به سرقت رفته این صندوق شویم. ثانياً با خواستههای سراسری خود برای داشتن یک زندگی انسانی به میدان بیاییم و بحران تامین اجتماعی شان را بر سر شان خراب کنیم.

"تامین اجتماعی" در جمهوری اسلامی

قانون تامین اجتماعی جمهوری اسلامی چیزی جز قانون بی تامينی و فلاکت کارگران نیست. سازمان تامین اجتماعی جمهوری اسلامی بنا بر تعریف ظاهرا قرار است به کارگران و مشمولین خود خدمات بیمه ای و درمانی ارائه دهد، قرار است بازنشستگان را تحت پوشش قرار دهد، قرار است بیکاران را تحت پوشش "بیمه بیکاری اش" قرار دهد، قرار است غرامت دستمزد ایام بیماری و از کار افتادگی و کمک هزینه ازدواج و دیگر نیازهای اولیه را

اقداماتی عاجل اشاره شده است که یک مورد آن "پرهیز دولت از دخالت در امور صندوق" است. و این ادامه نزعهای قدیمی این جانبان بر سر بخور بخورها و دزدی هایشان از محل این صندوق است. بخش دیگر مربوط به اقدامات میان مدت برای "نجات" تامین اجتماعی این نگاه اقتصادی دولتی و سودآور کردن آن برای دزدیهایی بیشترشان است. اقداماتی که اساسا در جهت حمله به معیشت و زندگی کارگران و مردم و کاستن هزینه های کارفرمایان و سودآوری بیشتر سرمایه قرار دارد. از جمله این اقدامات افزایش سن بازنشستگی به صورت تدریجی، تغییر شیوه پرداخت مستمری، افزایش تدریجی طول دوره مبنای محاسبه مزایای مستمری، کاهش ضریب تعلق (انباشت) محاسبه مستمری، بازنشستگی در شرایط مستمری (بازنشستگی)، از کار افتادگی و بازماندگان، برقراری ارتباط بین شغل و از کار افتادگی و تجدیدنظر در درصد از کار افتادگی باتوجه به شغل بیمه شده، اصلاح قانون بیمه بیکاری و تشکیل صندوق بیکاری (غیرمشارکتی)، فراهم سازی امکان استفاده از بازنشستگی زودهنگام با لحاظ منطق محاسبات بیمه ای، اعمال جرمه بر بازنشستگی های پیش از موعد به منظور ایجاد انگیزه به ماندن نیروی کار، تنظیم مزایای بازماندگان، کاهش سطح تعهدات تضمینی دولت، برقراری نظام چند لایه و برقراری بیمه مکمل بازنشستگی مؤثر است.

نگاهی به این اقدام به روشنی ابعاد وحشتناک تعرضی را که به معیشت کارگران و کل جامعه در سر میپروانند و عمدتا ضعیف ترین بخش جامعه را در بر میگیرد، به نمایش میگذارد. اما نکته اصلی اینجا،ست، حکومت اسلامی بارها و باره با طرحهای تعرضی ای از همین دست به جلو آمده تا هر چه بیشتر

از همین رو گزینه شان تشدید فشار بر روی زندگی کارگران و مردم و اجرای کردن اقتصاد مقاومتی شان است. گزارش مرکز پژوهش های مجلس و مباحث پشت آن بطور واقعی هشدار به کارگران و به کل جامعه است. با خواستههای اعتراضی خود در مقابل این تعرض بایستیم.

در حالیکه هر روز اخبار تازه ای از دزدی های میلیاردی از صندوق تامین اجتماعی رو میشود، در حالیکه در ایران خبری از بیمه های پایه ای اجتماعی چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و بیمه درمانی نیست، در این گزارش دم از پیشی گرفتن رشد مصارف نسبت به منابع تامین اجتماعی زده و خواب کاستن از همین چندرغازهای موجود را در سر میپروانند. ضمن اینکه با پیش کشیدن این مولفه ها تلاش دارند، موضوع اختلاس های میلیاردی در این سازمان را حاشیه ای کنند.

گزارشگران مرکز پژوهش های مجلس در بررسی علل بحران در تامین اجتماعی را با بیشترین تمام از مولفه هایی چون کاهش نرخ تولد و افزایش سن افراد و افزایش چشمگیر میزان جمعیت بازنشستگان، پیشی گرفتن رشد مصارف نسبت به منابع در این سازمان سخن میگویند. در این گزارش در عین حال گوشه دیگری از کشاکش های درون حکومتی و رودرویی مجلس و دولت در مقابل یکدیگر را میشود دید. از جمله گزارش کسری نقدینگی جلی تامین اجتماعی را که از سال ۹۲ آغاز شده است، پیامد طرح ها و برنامه های حمایتی و عدم پرداخت مطالبات سازمان توسط دولت اعلام کرده و اظهار اینست که تا سال ۱۴۰۰ شکاف منابع و مصارف سازمان عمیقتر و عمیقتر میشود.

گزارش مرکز پژوهش های مجلس به استنتاجات معینی ختم میشود. از جمله در این گزارش بر

گزارش مرکز پژوهش های مجلس از وضعیت بحرانی تامین اجتماعی و خطر ورشکستگی آن یک موضوع بحث داغ در درون حکومت و در میان کارگران است. خطوط اصلی این گزارش کدامند، تامین اجتماعی حکومت اسلامی در زندگی و معیشت کارگران چه جایگاهی دارد، اهداف پشت گزارش مرکز پژوهش و تلاش آنان برای گفتن سازی برای تدارک تعرضی گسترده به زندگی و معیشت کارگران و مردم و اینکه پاسخ ما کارگران کدامست، نکات مهم است که تلاش میکنم در این نوشته به آنها بپردازم.

گزارش از یک چپاول بزرگ

مرکز پژوهش های مجلس طی گزارشی در آبانماه ۹۶ از وضعیت بحرانی و خطر ورشکستگی سازمان تامین اجتماعی در آینده ای نزدیک گزارش داده است. اقدامات فوری ارائه شده از سوی این مرکز محروم کردن بیشتر کارگران و مردم این جامعه از همان چندرغازهایی است که به آن تامین اجتماعی گفته میشود است. در این گزارش و در مباحث شان دارند از تهدید ملی تامین اجتماعی، از اینکه این بحران بیش از نیمی از کشور را در برمیگیرد و تبعات اجتماعی آن سخن میگویند. حسابی وحشت کرده اند. خصوصا در فضای پرتب و تاب اعتراضی در جامعه و در برابر اعتراضات گسترده کارگری، بسیار محتاطند. از اینرو این گزارش در واقع برای ذهنیت سنجی جامعه و محاسبه چند و چون تدارک تعرضات بیشتر به معیشت کارگران و کل جامعه است. به عبارت روشنتر پولها را بالا کشیده اند. بحران شان جدی است. اقتصادشان نیز به گل نشسته است و راه گریزی برایشان نمانده است. در عین حال از سودهای کلان و حقوقهای نجومی خود نیز نمیگذرند و دعواییشان بر سر دزدی و چپاول بیشتر هم شده است.

پرداخت همین مستمری اندک نیز چند ماه چند ماه به تعویق می افتد و کارگر باید با جاده بستن و اعتراض حقش را بگیرد. این وضعیت باعث شده است که بازنشستگان و سالمندان به دنبال سالها کار و مشقت، برای بقاء خود چشم به کمکهای نزدیکان و این و آن بوزند. از اینرو یک عرصه دامن اعتراض در جامعه مبارزات بازنشستگان در اعتراض به زندگی زیر خط فقر و خواست افزایش مستمری ها به بالای ۴ میلیون تومان، یعنی بالای رقم خط فقر اعلام شده خود دولت است.

بیمه بیکاری نیز میزانش حتی کمتر از همان حداقل دستمزد چند بار پایین تر از خط فقر است، و این پول نیز با هزار اما و اگر و برای مدتی کوتاه، فقط به کارگرانی تعلق میگیرد که از کار بیکار شده اند. در این زمینه نیز تعویق پرداخت بیمه بیکاری و سردواندن کارگران باز خود از جمله موضوعات اعتراضات کارگری است.

بنا بر قانون حکومت اسلامی هر ماهه پولی از مزد کارگران به جیب تامین اجتماعی میروند. اما در قبال این پول، خدماتی ارائه نمیشود. به این معنی که ماهانه کارگران و کارکنان ۷ درصد حقوق یا دستمزد خود را به عنوان حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی پرداخت می کنند. کارفرمایان نیز در قبال کاری که کارگر میکند ۲۰ درصد و دولت ۳ درصد به این صندوق پرداخت می کنند. بنا بر آمار رژیم اسلامی، ۱۲ میلیون کارگر تحت پوشش این سازمان هستند که با خانواده هایشان جمعیتی ۳۷ میلیونی را در بر میگیرد. اگر چه آخرین گزارشات حاکیست که این سازمان قریب ۴۲ میلیون نفر را تحت پوشش خود دارد.

پول ماهانه ای که از جیب ۱۲ میلیون کارگر هر ماهه به صندوق تامین اجتماعی واریز میشود، سرمایه کلانی است که در صندوق این سازمان انباشته میشود و این سرمایه طی سالها و آنهم با سرمایه گذاری های بزرگش، سازمان تامین اجتماعی را به یکی از بزرگترین کنسرن های مالی با صدها هزار میلیارد تومان سرمایه تبدیل کرد. این ثروت عظیم و میلیاردي که

متعلق به کارگران است و آنرا بالا کشیده اند و حالا گزارش ورشکستی صندوق را تحویل کارگران و مردم میدهند. اموال به غارت برده شده تامین اجتماعی باید به آن باز گردد و صرف نیازهای اولیه و رفاه مردم شود.

پول تامین اجتماعی را به جیب زده اند و در مقابل اعتراض کارگران و مردم به اینم بی تامینی حرف جانپان اسلامی اینست که صندوق تامین اجتماعی خالی است. اکنون نیز با ارائه گزارش ورشکستگی صندوق به غارت رفته، از حذف همین آخرین قطراتی که تحت عنوان تامین اجتماعی ارائه میشود، دارند خبر میدهند.

سازمان تامین اجتماعی، سازمانی غارت شده

طی سالیان دراز با پول کارگران، سازمان تامین اجتماعی به یکی از "بنگاههای کلان اقتصادی" تبدیل شده است. شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) یک شرکت سرمایه گذاری متعلق به سازمان تامین اجتماعی ایران است که بعنوان یک مجموعه تخصصی در امر سرمایه گذاری در سال ۱۳۶۵ در قالب یک شرکت سهامی خاص با سرمایه اولیه ۲ میلیارد تومان شروع به کار کرد. این شرکت طی سالها با ذخیره های مالی کارگران در زمینه ها مختلف تولید، بازرگانی، خدماتی سرمایه گذاری کرد و به یکی دیگر از مؤسسات مافیائی حکومتی تبدیل گردید. از جمله این سازمان بیش از ۱۴۰ بیمارستان زیر پوشش خود داشته و در طرح های سرمایه گذاری در دهها دانشگاه علوم پزشکی سهام دار شد. این سازمان همچنین مالکیت بیش از ۳۰۰ شرکت و مؤسسه اقتصادی، مالی و بازرگانی شد. صاحب ویلاهای فرانسوی سازی شد که تنها ۴۰۰ میلیون تومان خرج مبلمان آن شده بود. در ۵۱ درصد سهام بانک صادرات، بانک رفاه، مس سرچشمه، راه آهن و بسیاری از شرکتهای دیگر سرمایه گذاری مسکن و شرکتهای داروسازی سرمایه گذاری کرده و ۴ درصد سود درآمدهای حاصل از آن به حساب اعضای شستا و ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفری از آنها رفت. بعلاوه ۴۰ درصد بازار تولید و

توزیع دارو، ۴۰ درصد بازار تولید سیمان، ۳۰ درصد تولید قیر، ۷۰ درصد تولید تابر، ۵۰ درصد حمل و نقل نفت، و ۷۰ درصد بازار پتروشیمی در انحصار این سازمان قرار گرفت.

سازمان تامین اجتماعی مستقیماً زیر نظر دولت اداره میشود و هر دولتی که سر کار می آید دستش در جیب این سازمان است و میلیاردها پول بالا میکشد و بار خود را مینندند. از همین رو ثروتهای تامین اجتماعی همواره یک موضوع مهم جلال در درون حکومت و دارو دسته های آن بوده و اکنون نیز یکی از نکات برجسته گرایش مرکز پژوهش های مجلس است.

داستان دزدی های میلیاردي در تامین اجتماعی

آذر ماه ۹۲ پرونده دزدی های میلیاردي سعید مرتضوی متهم ردیف اول کهریزک و مدیر عامل سابق تامین اجتماعی جمهوری اسلامی در کنار بابک زنجانی سرمایه دار میلیاردي که کارش واسطه گری در دزدی ها و بخورخورها سران حکومت بود، رسانه ای گردید.

در گزارشات مربوط به پرونده دزدی های تامین اجتماعی صحبت از قرارداد ۴ میلیارد یورویی سازمان تامین اجتماعی با شرکت هولدینگ سوینت قشم به مدیریت بابک زنجانی و واگذاری ۱۳۸ شرکت متعلق به سازمان تامین اجتماعی است. این قرارداد، مراکز و موسسات مالی ای چون هواپیمایی جمهوری اسلامی، فولاد خوزستان، فولاد مبارکه اصفهان، بانک صادرات، هتل های هما، پتروشیمی غدیر، پتروشیمی تبریز، شرکت ملی نفتکش، چوب و کاغذ ایران، شرکت های مختلف بیمه ای (ملت، میهن، دانا، پارسیان، کشتیرانی جمهوری اسلامی، بانک های مختلف از جمله پاسارگاد، ثات، پارسیان، دی و غیره را در بر میگرفت. در این پرونده همچنین از جریانی تحت عنوان زمین شهرک غرب "پروژه ایران زمین" که متعلق به سپاه بوده سخن رفته که از معاملات تو در تو بابک زنجانی و دزدی های پشت پرده آنها خبر داده شد.

بخش دیگری از گزارشات مربوط به این پرونده به پرداخت ۲۰ میلیارد و ۹۱۲ میلیون و ۸۶۶ هزار ریال کارت هدیه در سال ۹۱ و ۱۷ میلیارد و ۷۰۲ میلیون ریال کارت هدیه در ۵ ماهه اول سال ۹۲ بود. از جمله بحث بر سر پرداخت مبلغ یک میلیارد و سیصد و سی و پنج میلیون ریال کارت هدیه به ۳۷ نفر از نمایندگان مجلس بر پا شد. از جمله رحیمی معاون اول احمدی نژاد، عباسی سرپرست وزارت کار جمهوری اسلامی و شیخ الاسلامی معاون زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد در لیست هدیه بگیران تامین اجتماعی قرار داشت.

بخش دیگری از این دزدی های کلان به پرداخت پاداش های ۱۲۰ میلیونی و ۴۵۰ میلیون تومانی و هزار و ۷۰۰ سکه تمام بهار آزادی به مدیران عامل و ارشد شستا اشاره داشت. علاوه بر همه اینها حقوق های ده میلیون و ۱۴ میلیونی به هفت هزار از نورچشمی ها و مدیران این سازمان قلم دیگری از این دزدی هاست. جالب اینجاست که در ابتدا اعلام شد که اسناد این دزدی ها، مفقود شده است. اما بعد در زیر زمین های ساختمان دوم این سازمان پیدا شدند و بنا به گزارشات دولتی، ۲۰ هزار صفحه بود. خلاصه اینکه لیست دزدی ها و به چاپ بچاپ ها در تامین اجتماعی جمهوری اسلامی طویل است. اما همین ارقام گوشه ای از حقیقت را مقابل چشم جامعه میگذارد.

واقعیت اینست که در طول سالها حاکمیت رژیم اسلامی سازمان تامین اجتماعی به حیات خلوت شماری از دزدان حرفه ای و دارودسته های جمهوری اسلامی تبدیل شده است. همه جناحهای حاکمیت از حزب اسلامی کار و خانه کارگریها و تا سران سپاه پاسداران در اختلاس "شستا" و سازمان تامین اجتماعی دست داشته و دارند. با تغییر هر دولت نیز دار و دسته جدیدی به ثروتهای این سازمان چنگ می اندازند و ثروت های افسانه ای تامین اجتماعی، یک موضوع مهم نزاعهای درون حکومت است.

اکنون نیز زیر فشار جامعه است که ناچار شده اند، یکی از پادوهای جنایتکار خود نظیر مرتضوی را به

جای اینکه به او پاداش دهند قربانی کنند و فکر میکنند با صدور دو سال محکومیت زندان برای او موضوع خاتمه یافته است و میتوانند پرونده این دزدی ها و اسلاف او در تامین اجتماعی را از چشم جامعه دور کنند. فکر میکنند میتوانند با گزارشی مهندسی شده تحت عنوان اینکه مصرف سازمان زیاد شده و یا مستمری بگیران افزایش یافته اند، ورشکستی این صندوق را اعلام کنند و آب پاکی روی دست کارگران و مردم بریزند. اما روشن است که کارگران این را قبول نمیکند. روشن است که کارگران و مردم در برابری تعرضات حکومت اسلامی به زندگی و معیشتشان خواهند ایستاد.

تمام ثروتهای سازمان تامین اجتماعی متعلق به کارگران و حقوق بگیران زحمتکش جامعه است. کلیه دزدی ها و سوء استفاده های مالی توسط مقامات تامین اجتماعی باید فوراً پس گرفته شده، دزدان حاکم بر این سازمان فوراً محاکمه شوند و همه این پولها صرف خدمات به کارگران و کل جامعه بشود.

با میلیاردها دارایی به سرقت رفته تامین اجتماعی میشود بخش بسیاری از هزینه های رفاهی کارگران و کل جامعه را فراهم کرد. دزدی های تامین اجتماعی در کنار ارقام میلیاردي دزدی های تک تک سران رژیم که هر روز اقلام جدیدی از آن بر ملا میشود، سرمایه کلانی است که با آن میشود طب را رایگان کرد، میتوان خیل عظیم نیروی بیکار جامعه را تحت پوشش قرار داد، میتوان تحصیل را در تمام سطوح رایگان کرد و میتوان به رفاه جامع پاسخ فوری داد.

کارگران به این دزدی ها و به بی تامینی مطلق خود معترضند. کارگران پولهای غارت شده تامین اجتماعی را متعلق به خود میدانند و شعار علیه اختلاس ها و حقوق های نجومی که آن نیز خود بخشی از دزدهای حکومتیان است، به شعاری سراسری و اجتماعی تبدیل شده است.

جمعیت میلیونی ای که هم اکنون تحت پوشش تامین اجتماعی رژیم قرار دارند، کارگران و خانواده هایشان نیروی عظیمی هستند که

حکومت هر روز ارقام جدیدی از دزدی هایشان رو می‌شود. این حکومت هیچ مشروعیتی ندارد. باید با تمام قوا برخیزیم و کل این بساط جنایت و سرکوب و چپاول را جارو کنیم.

مخرب نظام سرمایه داری حاکم مصون بماند. و دولت در قبال تامین رفاه جامعه و همه نیازهای اولیه مردم در سطح استانداردهای امروز بشری، مسئول است.

جمهوری اسلامی، حکومت فقر و فلاکت است. فساد سرپای آنرا گرفته است. در دل نزاعهای درون

مسکن مناسب و برخورداری همه مردم از داشتن يك زندگی شایسته انسان. مادام که سرمایه بر حیات انسان ها حاکمیت دارد، يك تلاش دائمی ما کمونیست‌ها تحمیل آنچنان شرایطی است که حداکثر آسایش و رفاه ممکن برای کل جامعه بوجود آید و شهروندان جامعه از عوقب

جامعه شوند.

تامین اجتماعی، یعنی برخورداری يك جامعه از يك زندگی پر از رفاه. تامین اجتماعی یعنی درمان رایگان، بیمه بیکاری مکفی برای همه کارگران بیکار و آماده به کار، تحصیل رایگان برای همگان در تمام سطوح تحصیلی، داشتن

میتوانند با جنبشی سراسری در برابر دزدی های حکومتیان از این صندوق قد علم کنند و خواستار بازگشت اموال سرقت شده تامین اجتماعی به صندوق و هزینه شدن برای نیازهای فوری کارگران و کل

مشخصات شبکه ۲۴ ساعته

تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید
از شبکه "Kanal Jadid" در
YAHSAT پخش میشود.

مشخصات "کانال جدید" به این شرح است:

فرکانس: ۱۲۵۹۴ پلاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۰۰ FEC: ۲/۳

این مشخصات را به دوستان و
آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلگرام: @kanaljadid1



نیست و میتواند با برخورد درست تغییر کند. حتی چه بسی خیلی مواقع تشخیص بی اعتمادی ما صرفا ناشی از پیشداوری ها و تعصبات و کوته نظری های خودمان باشد.

با همین مختصر هم آیا روشن نیست که پراکندن تخم بی اعتمادی در بچه های كوچك يك پروژه دست راستی است؟ آیا نمی بینیم که فرهنگ راست و ارتجاعی در جامعه هر روز مشغول ترساندن بزرگ ها از مهاجرین، انسانهای با رنگ پوست متفاوت، باورهای متفاوت، گرایشات جنسی متفاوت و غیره است؟

بنظر من خشت اول این بنای کج و ضد بشری، این بشرهراسی، با "ترتیب کردن" و باز آوردن بچه با ترس از غریبه و اینکه دیگران علی القاعده آنجايند تا تو را فریب دهند، گذاشته میشود.

بچه ها و غریبه ها!

مصطفی صابر

میکوشد از همان دوسالگی تخم بی اعتمادی نسبت به دیگران را در ذهن ما بکار. حالت دیفالت را این تعریف کند که دیگران، انسانهای دیگر، میخواهند شما را فریب دهند، مگر خلاف آن ثابت شود. بنظر من درست برعکس این توصیه درست است. به بچه ها باید یاد داد که انسانها همه عزیز و شریف و قابل احترام و اعتماد اند، مگر خلاف این ثابت شود.

ممکن است بگوئید خوب يك بچه كوچولو مثلا دو سه ساله چطور میتواند تشخیص دهد کی قابل اعتماد است و کی نیست. جواب من این است بله آدمیزاد در آن سن هنوز يك و انسان است و یاد نگرفته تا آدم های غیر قابل اعتماد را تشخیص دهد. باید بشدت و با وسواس مراقبش بود تا اشتباه بزرگی نکند و رفته رفته یاد بگیرد و قدرت تشخیص بدست بیاورد. یعنی اصل را بر عشق و اعتماد به انسانها قرار دهد و بی اعتمادی به دیگران را بعنوان يك استثنا یا يك مورد ویژه یاد بگیرد نه بعنوان يك قاعده و اصل عام!

ولی راه حلی که نقل فوق از قول "اصول روانشناسی" ارائه میدهد در واقع پروراندن يك فاجعه روانی در ذهن يك بچه است. بنا بر این راه حل باید به بچه یاد داد که اصل بر بی اعتمادی است مگر خلاف آن ثابت شود. معلوم نیست چندین و چند سال باید بگذرد تا آن بچه بفهمد که اغلب آدم ها اتفاقا شریف و محترم و قابل اعتمادند. و مهمتر، چندین و چند سال دیگر باید بگذرد تا بفهمد که حتی اگر کسی قابل اعتماد نباشد به معنای پایان انسانیت در او

عبارت زیر در يك صفحه فیسبوکی آمده بود:

"به بچه ها یاد بدهید به غریبه ها بگن خانم و آقا، نه عمو و خاله؛ بر اساس اصول روانشناسی گفتن عمو و خاله موجب ایجاد حس اعتماد در کودکان نسبت به افراد غریبه میشه و در نهایت راحت فریب میخورند". من با عبارت فوق مشکل جنی دارم که پایین تر به آن میرسیم. اما اول بگویم موافقم که به بچه ها یاد بدیم دیگران را بعنوان آقا و خانم یاد کنند و در صورت آشنایی بیشتر اسم شان را یاد بگیرند و به اسم صدا بزنند. حتی در مورد عمو و خاله های واقعی هم بهتر است تاکید جنی بر آشنا کردن بچه ها با اسم عمو و خاله مربوطه باشد. دلیل آنهم بسادگی این است که ما در عصر قبایل و خانواده عشیره ای زندگی نمی کنیم. حالا دوره "دهکده جهانی" است و آدمها شخصیت و فردیت و البته اسم و اسم فامیل دارند. بهتر است دوره ای که همه آدمهای دور بر کم و بیش با عمو و خاله و دایی و عمه، و یا زاده ها و نواده های دور و نزدیک اینها بودند، را پشت سر بگذاریم.

اما مشکل من با عبارت فوق با استدلالی تلویحی است که در آنست: یعنی اینکه به بچه ها یاد بدیم تا نسبت به غریبه حس بی اعتمادی داشته باشند! تا مبادا فریب بخورند!

بنظر من این يك الگوی تربیتی و یاد دقتیتر يك پروژه سیاسی زیرکانه و بسیار مخرب دست راستی و البته ارتجاعی است. این پروژه آدم ها از هم میترساند. آدم ها را نسبت به هم بی اعتماد بار می آورد.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com: **نشریه انترناسیونال:**

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



حکومتی ایلنا با اشاره به "غفلت" از ایمنی معادن ایران از در خطر بودن جان ۱۳ هزار کارگر در معادن ذغال سنگ خبر میدهد.

سخنان مجتهدزاده اعتراضی آشکار به قتل عمد هر روزه در محیط های کار در ایران است. این گزارشات را در اختیار دارند و هر روزه هزاران کارگر معدن را به اعماق ۱۸۰۰ متری زمین میفرستند، تا برایشان پول و ثروت بسازند. ننگ و نفرین باد بر این توحش و جنایت آشکار سرمایه داری.

یک نمونه آشکار این جنایات انفجار مهیب در معدن زمستان یورت در سال گذشته است که در جریان آن ۳۴ کارگر جانباختند. بعدا نیز همه شواهد حاکی از ناامنی این معدن و گزارش شدن آن از قبل به مقامات مسئول بود.

رئیس انجمن ذغال سنگ ایران در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اینکه این معادن از همان آغاز بهره برداری از سال ۱۳۴۵ با تکنولوژی های قدیمی روسی کار می کردند و اکنون نیز همان روال ادامه دارد، میگوید: "چه آن زمان که معادن تحت نظر شرکت ملی فولاد و ذوب آهن ایران بودند و چه اکنون که دو دهه می شود که اداره آنها به بخش خصوصی واگذار شده است در تکنولوژی های مورد استفاده این معادن تغییری ایجاد نشده است".

به عبارتی روشنتر ۵۰ سال از شروع کار این معادن گذشته است و همچنان کارگران در این معادن فرسوده و ناامن کار میکنند و هر روز قربانی میدهند.

روز این بود که با نشستن بر روی سکوی تخلیه ی نیشکر آسیاب فعلی مانع تخلیه ماشین های حامل نیشکر در آسیاب شدند. زیر فشار این اعتراضات نیروی انتظامی و بدنبال آن امام جمعه شهر شوش وارد محل اعتراض کارگران در کارخانه شدند و سعی کردند وعده هایی دهند، اما کارگران به اعتراضاتشان ادامه داده و خواستار پرداخت فوری طلبهایشان هستند. دور کنونی اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه بدنبال قرار و مداری صورت گرفت که در فضای مجازی بین کارگران گذاشته شد و طی فراخوانی از کلیه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه اعم از رسمی، پیمانی و روزمزد خواسته شده بود که با همستگی کامل در ۱۱ آذر ماه همگی دست از کار

کشیده و خواستههایشان را فریاد بزنند. در ساعات اولیه صبح آن روز کارگران بخش کشاورزی بسوی محوطه کارخانه حرکت کردند و با بلند شدن شعار مرگ بر افشار، کارگران بخش تولید شکر نیز به آنها پیوستند. و سپس با پیوستن کارگران قسمتهای بهره برداری و نیروگاه برق، اعتصاب تمام بخش ها را فراگرفت. مدیریت برای شکستن صف متحد کارگران از از صبح آئروز فیشهای حقوقی را توزیع کرده بود و خبر داده بود که میتوانند حقوقهای خود را روز ۱۲ آذر بگیرند، اما کارگران به اعتراض متحدانه خود ادامه دادند. یک نقطه برجسته در اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، استفاده از مدیای اجتماعی بعنوان ظرفی برای سازمانیابی مبارزاتشان است. مدیای اجتماعی هر روز بیشتر در شکل دادن به اعتراضات سراسری نقش ایفا کرده و میروند تا به ظرف

تجهیزات مربوط به گروه های امداد و نجات مجهز شوند. واقعیت اینست که فضای بالای اعتراض در محیط های کارگری است که انعکاس آن را در گزارشاتی از این دست می بینیم. از جمله ناامنی محیط های کار، نا امنی معادن یک موضوع اعتراض کارگران است. اما حرف کارگران اینست که بحران اقتصادی حکومت ربطی به آنها ندارد. کارگران شرایط امن کاری میخواهند. کارگران خواستار یک زندگی انسانی هستند. کارگران در مبارزات هر روزه شان با شعارهایی چون یک اختلاف کم بشه، مشکل ما حل میشه، حقوق های نجومی، فلاکت عمومی کل این بساط توحش و دزدسالاری را به چالش میکشند.

ادامه اعتراضات کارگران نی بر نیشکر هفت تپه

روز ۱۳ آذر کارگران نی بر هفت تپه برای پیگیری خواستههایشان به اعتصاب خود ادامه دادند. اعتراض این کارگران به عدم پرداخت دستمزد بهمن و اسفند سال ۹۴ و پاداش و بهربرداری سالهای ۹۴ و ۹۵ و همینطور تعویق پرداخت چهار ماه مزد سال جاری و عدم پرداخت حق بیمه شان است. هم اکنون ۳۰۴ کارگر نی بر در استخدام نیشکر هفت تپه هستند که اگر کارفرما مطالبات بیمهای آنها را به حساب تامین اجتماعی پرداخت کند، حدود ۲۰۰ نفر از آنها مشمول بازنشستگی خواهند شد. در حرکت اعتراضی ۱۳ آذر کارگران دروازه را بستند و ماشینها و تراکتورهای حامل نیشکر را پشت در متوقف کرده و به آنها اجازه ورود ندادند. کارگران همچنین به سمت کوره و نیروگاه رفتند تا آنها را خاموش کنند. یک اقدام اعتراضی دیگر کارگران در این

دانشجویان بودند. در این اعتراضات دانشجویان همچنین بر خواستهایی مشخصی چون تحصیل رایگان، درمان رایگان و کار و مسکن برای مردم تاکید داشتند و این خواسته ها بر پلاکاردهایشان نقش بسته بود.

یکی از برنامه های درخشان دانشجویان در این اعتراضات تاتری بود که توسط دختر و پسر اجرا شد که در آن دانشجویان خود را صدای تاریخ و پیشروان جهان جدید و خود را بیرقداران رهایی سرکوب شدگان و کارگران اعلام کردند.

همچنین به مناسبت روز دانشجو تشکلهای کارگری چون اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه و شورای عالی تشکلهای صنفی معلمان طی بیانیه هایی از مطالبات دانشجویان پشتیبانی کرده و اعلام کردند که باید خواسته های دانشجویان مورد حمایت و پشتیبانی همه بخش های طبقه کارگر قرار گیرد و برای تحقق آنها به عنوان مطالبات خود مبارزه کنند. اعتراضات دانشجویان، بیانیه ها و شعارهایشان امروز بیش از هر وقت عروج چپ در جنبش های اجتماعی در جامعه علیه توحش سرمایه حاکم در ایران را به نمایش میگذارد. شانزده آذر امسال و گسترش اعتراضات در دانشگاهها بیش از هر وقت فضای پر تحرک جامعه در شرایط امروز ایران را به نمایش میگذارد.

جان ۱۳ هزار کارگر معادن ذغال سنگ در خطر است

قتل در محیط های کار بخاطر نا امنی، جنگی اعلام نشده به کارگران است که هر روز بخاطر سودجویی مشتی سرمایه دار جنایتکار و دولت حامی شان، به وقوع می پیوندد. معادن در راس این قتل و کشتار قرار دارند. محمد مجتهد زاده رئیس انجمن ذغال سنگ ایران طی گفتگویی با رسانه

شانزده آذر روز دانشجو، روز اتحاد مبارزاتی دانشجو- کارگر، ادامه اعتراضات گسترده کارگران هفت تپه، تدارک بازنشستگان برای تجمع بزرگ در تهران برای ۱۹ آذر، گزارشات منتشر شده دولتی مبنی بر در خطر بودن جان ۱۳ هزار کارگر در معادن ذغال سنگ از جمله سرتیترهای مهم اخبار و مسائل کارگری در هفته گذشته است.

دانشجویان به استقبال روز دانشجو رفتند

به مناسبت شانزده آذر، روز دانشجو، ۳۲ تشکل دانشجویی بیانیه ای مشترک منتشر کردند و این روز را نماد مبارزه علیه بیکاری و فقر گسترده و اقتصاد مقاومتی خواندند. دانشجویان، این بیانیه خود را در ادامه بیانیه فراگیر سال گذشته شان دانسته و در آن بعنوان بخشی از طبقه کارگر، همسرنشوی خود را با کارگران و اکثریت محروم جامعه اعلام کرده و صدای اعتراضشان را علیه بیعدالتی، استثمار و ظلم و سرکوب بلند کردند. بیانیه ۳۲ تشکل دانشجویی به مناسبت روز دانشجو بیانگر صف متحد دانشجویان حول خواستهایی سراسری است. خواستهایی که بیش از بیش مبارزات دانشجویان، کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه را به هم پیوند میدهد.

دانشجویان از دانشگاههای مختلف از روز سیزده آذر به استقبال برگزاری روز دانشجو رفتند. منطق دانشجویان در این روز با شعار سرمایه داری، استثمار بیکاری، توحش سرمایه داری را به چالش کشیدند. در عین حال اعتراض علیه کالای شدن آموزش و شهریه اجباری، علیه تفکیک جنسیتی، طرح قرون وسطانی کاروری و امنیتی شدن دانشگاهها، علیه بیحقوقی ها و فقر و محرومیت، موضوعات محوری اعتراضات

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number: 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code: BOFAUS3N

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوالاتی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

مارو همراهی کنید نظرات و اخبار و مسائلی که فکر میکنید باید مطرح شوند رو با ما در میان بگذارید.

مهران حمیدی از طرف تیم

ادمنیتی کانال

کانال تلگرام:

https://t.me/jk_org

پیامگیر تلگرام: @sjktamas

نگرفته است. ۳۴٪ مسیحیان ابراز داشتند که شخصا یک ترنسجندر می شناسند و ۵۰٪ آتنیست ها و آگنوستیک ها در زندگی شخصی خود با حداقل یک ترنسجندر آشنا هستند.

حضور و نظر شما برای ما امیدبخش و بسیار مهم است و از شما می خواهیم تا با پیوستن به کانال،

گزارش و اخبار کوتاه از جنبش دفاع از حقوق رنگین کمانی ها (LGBTQIA+ ها) در هفته دوم آذرماه ۱۳۹۶

۱- نمایش «آبی مایل به صورتی» درباره ترنسجنر ها در تهران به کارگردانی "ساناز بیان" روی صحنه است. برای نگارش متن این نمایش با بیش از ۸۰ ترنس به صورت میدانی مصاحبه شده و این نمایش قصه همان آدم ها را روایت می کند. عاطفه رضوی، نسیم ادبی، گیتی قاسمی، آناهیتا اقبالنژاد، بهنام شرفی، محمد هادی عطایی و امین میری امید سلیمی، ملیکا پارسا در این نمایش به ایفای نقش می پردازند. همچنین حمیدرضا آذرنگ گفتار متن نمایش را انجام می دهد. تغییر جنسیت، موضوعی که برای ناظران و شاهدان فقط یک داستان کنجکاو و پرانگیز است اما برای خود افراد درگیر آن در ایران، چیزیست در حد فاجعه. مخاطبین در این تئاتر با چند روایت آشنا میشوند؛ زنی که مرد شده، مردی که زن شده، مردی که در آستانه عمل جراحی ست، مادری که فرزندش ترنس است و بیناجنسی ای که جراحی کرده و زن شده است. زیباترین نتیجه گیری این تئاتر این حقیقت است که ترنس ها نه بیمار هستند، نه ناقص و یا عجیب.

۲- دهم ذرمه (اول دسامبر) روز جهانی مبارزه با ایدز بود. هنوز علاج قطعی برای اچ آی وی-ایدز وجود ندارد. اما برای کنترل این ویروس داروهای مختلفی وجود دارد که به صورت ترکیبی به کار می روند. ویروس اچ آی وی معمولاً از طریق آزمایش خون یا بزاق دهان و آزمون حضور پادتن ضد ویروس ایدز تشخیص داده می شود. رای انتقال اچ آی وی باید خون، منی یا مایع واژنی آلوده به ویروس وارد بدن شود. تماس های معمولی مانند در آغوش گرفتن، بوسیدن، رقصیدن یا دست دادن با فرد مبتلا باعث انتقال بیماری نمی شود. همچنین اچ آی وی از طریق هوا، آب یا نیش حشرات نیز انتقال نمی یابد هیچ کس نباید بر اساس وضعیت مثبت یا منفی بودن

۳- انگلستان پرونده ۷۰٪ پناهجویان همجنس گرا را مردود اعلام می کند، انگلستان پرونده ۷۰٪ پناهجویان همجنس گرا را مردود اعلام می کند. بر طبق گزارش جدید وزارت داخله انگلستان از ۳۵۳۵ نفر درخواست دهند پناهندگی در انگلستان بخاطر گرایش جنسی، تنها ۸۱۴ نفر پذیرفته شدند. و بیش از دو سوم آنها رد شدند. از ورود پناهندگانی از کشورهای اوگاندا، نیجریه و ایران جلوگیری به عمل آمد. پاکستان بنگلادش و نیجریه کشورهایی هستند که بیشترین درخواست پناهجویان رنگین کمانی ها در بریتانیا رابه علت آزار و اذیت دارند.

۴- آتنیست ها بیشتر از دین داران، ترنسجنرها را می پذیرند. نتایج نظرسنجی جدید موسسه تحقیقاتی پیو نشان می دهد که آتنیست ها (بی خدایان) و آگنوستیک ها (ندانم گرایان) بیش از افراد مذهبی هویت ترنسجنر سایرین را می پذیرند. ۸۴٪ مذهبیها اعتقاد داشته اند جنسیت فرد همان است که در زمان تولد تعیین می شود. در حالی که این میزان در میان آتنیست ها و آگنوستیک ها به ۲۹٪ سقوط می کند. از میان مسیحیان انجیلی سفیدپوست در مورد اینکه آیا جامعه آمریکا در پذیرش افراد ترنسجنر زیاده روی کرده است؟ ۶۱٪ اعتقاد داشتند جامعه به بیراهه رفته و از میان آتنیست ها و آگنوستیک ها ۶۵٪ مخالف این گزاره بودند و اعتقاد داشتند زیاده روی صورت

اعمال اراده مستقیم کارگران و تشکیلاتی آنها تبدیل میشود، و این یک نقطه عطف مهم در جنبش کارگری است.

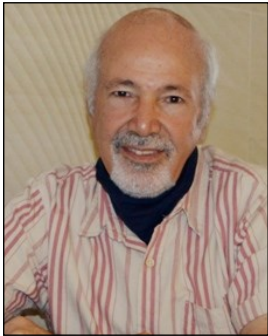
بازنشستگان در تدارک تجمع سراسری ۱۹ آذر در مقابل مجلس

بازنشستگان در ادامه اعتراضاتشان برای پیگیری خواستهای خود به تجمع بزرگ در ساعت ده صبح روز ۱۹ آذر فراخوان داده اند. فراخوان بازنشستگان نه تنها خطاب به کسانی است که هم اکنون بازنشسته اند، بلکه به شاغلین و خانواده ها نیز هست و این یک نقطه قوت این فراخوان و ابعاد اجتماعی آن است. بازنشستگان تجمع ۱۹ آذر را مهمترین تجمع سال ۹۶ خوانده اند. تجمعات اعتراضی پی در پی و سراسری بازنشستگان، گرد آمدن آنها در گروه های مبارزاتی چند هزار نفره از شهرهای مختلف در تلگرام، بحث و تبادل نظر در این گروه ها بر سر خواستها و مطالباتشان و تبدیل آنها به شعار ها و قطعنامه های اعتراضی همه و همه دستاوردهای مهم بازنشستگان در زمینه سازماندهی اعتراض و مبارزه است. این تجربیات نوین است و باید آنها به همه بخش های کارگری تسری داد و به سنتی پایدار در جنبش کارگری و کل جامعه تبدیل کرد.

بازنشستگان در تجمعاتشان با شعارهایی چون خط فقر ۴ میلیون حقوق ما یک میلیون، حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاری، نیاز ما این زمان، معیشت است و درمان، ما همبسته ایم، از وعده ها خسته ایم، سی و هشت سال گذشته، عدالت کجا رفته، یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه، نویخت نویخت استعفا، تبعیض تاکی؟ اعتراض خود را به فقر، تبعیض و نابرابری، اختلاس ها اعلام کردند. اینها خواستها و شعارهایی است که در اعتراضات بخش های مختلف جامعه فریاد زده میشود و ابعادی اجتماعی پیدا کرده است. از مبارزات بازنشستگان وسیعا حمایت کنیم.

از اسلام برگشتگان

کاظم نیکخواه



بچالش کشیده است و جهانی شده است. کسی که حقیقت سیاسی این حرکت را نبیند و به نتایجی که بسیار آورده است نگاه نکند، اگر خود را به نادانی نزده باشد، بی شک اهمیت این حرکت را متوجه نیست.

اکس مسلم شمال آمریکا

در آمریکا نیز مثل خیلی جاهای دیگر دنیا شمار قابل توجهی از مردمی که خود را مسلمان میدانند زندگی میکنند و بسیاری از مردم از کشورهای اسلام زده نیز هستند که اسلام به آنها تحمیل شده است و از اسلام بریده اند. و می‌خواهند زندگی باب طبع و انتخاب خود را داشته باشند. کم نیستند از اسلام بریده هایی از کشورهای مصر، عربستان، پاکستان، لیبی و دیگر کشورهای آفریقایی و غیره که با شروع جنبش اکس مسلم جرات پیدا کرده اند کم کم خود را آفتابی کنند و علنا از عقاید خود دفاع کنند. این یک تحول مثبت و مهم است که دارد بسرعت گسترش پیدا میکند.

گزارش بی بی سی که نویسندۀ اش کسی بنام "اون ایمس" میباشد گوشه ای از این واقعیت را بیان میکند و از گروهی از اکس مسلمانها سخن میگوید که بنا به این گزارش بیش از هزار نفر از اسلام بریده ها از ۲۵ شهر را دور خود جمع کرده اند. این گزارش اینطور شروع میشود "مسلمانانی که ترک مذهب می کنند، در بسیاری از موارد مرتد محسوب می شوند و هدف آزار و خشونت قرار می گیرند. اما در آمریکا گروهی از اسلام برگشتها در دانشگاهها تور گذاشته اند و کارشان را تبلیغ و تشریح می کنند" او ادامه میدهد "محمد سید ده سال پیش ترک مذهب کرد و به یک "مسلمان سابق" تبدیل شد. او در آمریکا به دنیا آمده و در پاکستان و با اعتقاد کامل به اسلام بزرگ شده است. او می گوید: "شما با هیچ گونه شک و تردیدی روبرو نمی شوید...

هویت خود را در ارتباط ویژه اش با یک مذهب بیان میکنند. درست همانگونه که کسی که میگوید من مسلمان هستم، کل هویت خود را به عقیده مذهبی بیان میکند، کسی که میگوید من از اسلام بریده هستم، هویت خود را به نحوی با عقیده اش در مورد یک مذهب بیان میکنند. و این یک موقعیت انحصاری به مذهب در رابطه با انسانها میدهد که اساسا مطلوب نیست. اما این حرکت و این اسم گذاری عکس العملی در برابر یک واقعیت اجتماعی تلخ و تکان دهنده است. "اکس مسلم" یک جنبش سیاسی است. یک حرکت انسانی است. یک سنگر دفاع از آزادی عقیده در برابر تعرضات خشن و بی پروای اسلاميون ارتجاعی است. اگر از این جنبه نگاه کنیم، و به مشقات از اسلام برگشتگان که جرات ابراز وجود تاکنون نداشته اند و بسیاری قربانی شده اند فکر کنیم، و در مقابل به کارنامه بسیار درخشان جنبش اکس مسلم طی همین ده سال گذشته نگاه کنیم، انگاه متوجه میشویم که ایرادات برخی از "منزه طلبان چپ" به این اسم چقدر غیر سیاسی است و مخالفت با این حرکت به این بهانه، تا چه حد راست و ارتجاعی است. جنبش اکس مسلم یا از اسلام برگشتگان یا هر نام دیگری که بر آن بگذاریم، حرکتی است که بطور واقعی بشریت امروز را در برابر تحمیلات ارتجاعی اسلامی که می‌خواهند جامعه را از آزادی عقیده و فکر کردن محروم کنند و به فقرها ببرند، به بهترین نحوی نمایندگی میکند. اکس مسلم هویت بر پا کنندگان این حرکت نیست، بلکه حرکت و نهادی است که به اسلام برگشتگان جرئت میدهد که زورگویی مرتجعین اسلامی و دول و نگاه هایی که از آنها جانبداری کنند را در هم بشکنند. به آنها شهامت ابراز وجود داده است. اکس مسلم تربیونی است که بنحو بسیار موثری اسلام سیاسی را در حق انتخاب عقیده و یا خروج از دین

این هفته سایت خبری بی بی سی برای اول بار از "اسلام برگشتگان" یا "اکس مسلم" گزارشی منتشر کرد. عنوان گزارش این خبرگزاری "از دین برگشته هایی که در دانشگاههای آمریکا تور می‌گذارند" بود. اینکه بی بی سی ده سال پس از شروع جنبش اکس مسلم در بغل گوش خود در اروپا و گسترش آن در کشورهای مختلف و برگزاری کنفرانسهای متعدد توسط مینا احدی و مریم نمازی و با شرکت شخصیتهای متعدد و شناخته شده اروپایی و آسیائی، لام تا کام از این حرکت سخنی نگفت، کاملا برای کسی که با سیاست راست این بنگاه آشنا باشد، قابل فهم است. اما شکستن سکوت در مورد اکس مسلم و انتشار گزارشی از اکس مسلم آمریکا خیلی در سنت معمول رسانه ای مثل بی بی سی نیست و دلایلی دارد که اینجا مورد بحث من نیست. بلکه می‌خواهم کمی روی خود اکس مسلم و این گزارش تمرکز کنم.

روز ۲۸ فوریه ۲۰۰۷ نهاد اکس مسلم با کمپینی با عنوان "من از مذهب رویگردانم" در محل کنفرانسهای مطبوعاتی دولت آلمان در برلین به جامعه بین المللی معرفی شد. چند هفته بعد در انگلستان نهاد اکس مسلم انگلیس تاسیس شد. این آغاز یک حرکت در سطح جهان بود که بر فضای دنیا بسیار تاثیر گذار بود و همچنان تاثیر گذار خواهد بود. برای اول بار آن زنان و مردانی که از اسلام و دین بریده بودند و زیر فشارها و تهدیدات و آزار مرتجعین اسلامی قرار داشتند، صدایی پیدا کردند. نماینده و سخنوریانی پیدا کردند و صدایشان به نحو رسایی توسط اکس مسلم ها شنیده شد. کم نبوده اند از دین برگشتگانی که توسط اسلاميون به قتل رسیده اند.

کسانی که اکس مسلم را بنا نهادند شاید خود از این اسم چندان راضی نبودند. بالاخره کسی که میگوید من اکس مسلم هستم،

اطراف شما همه معتقدند. اما در سال ۲۰۰۷ او متوجه يك واقعیت شد: این که او دیگر اعتقاد ندارد. گزارش از قول محمد میگوید "یک نفر بود که او را از زمان دبیرستان می‌شناختم... با هم در یک دانشکده درس خواندیم و خیلی به هم شبیه بودیم، او هم مانند من لیبرال بود. بعد از مدتی نیم متر ریش گذاشت. سر و شکل دوست محمد او را ترساند. او از عذاب و فشار شب اول قبر حرف می‌زد... و می‌گفت این یک مسئله واقعی است که کسانی آن را مشاهده کرده اند - تفکری به شدت خرافاتی... با پیشینه علمی که داشت صحبت درباره این چیزها برایم عجیب بود. همین باعث شد که حدود یک سال برای نگاه دوباره به مذهب وقت گذاشتم." محمد قرآن و حدیث و روایت خواند. "قبل از آن دیدگاهم این بود که اسلام دینی انسان‌گرا و علمی است، حرف‌هایی که مرتب می‌شنویدم می‌خواستم به دوستم نشان دهم که نگاهش اشتباه است. اما وقتی که حسابی با او سر و کله زدم کاملا برایم روشن شد که دیدگاه او در واقع دیدگاهی اسلامی است..."

در جریان یک برنامه جمعی او سارا حیرر را دید. زاده پاکستان و بزرگ شده در تگزاس. سارا ۱۵ یا ۱۶ ساله بود که ترک مذهب کرد. او هیچ "مسلمان سابق" دیگری را ندیده بود. سارا می‌گوید: "وقتی محمد گفت که او هم ناباور است، حرفش را باور نکردم. فکر کردم دارد شوخی می‌کند. وقتی فهمیدم دارد جدی می‌گوید شگفت‌زده شدم." سارا والدینش را این طور توصیف می‌کند: "محافظه‌کارتر از عموم خانواده‌های غربی و لیبرال‌تر از بیشتر مادر پدرهای مسلمان." سارا می‌گوید: "هیچ وقت با من بد رفتاری نکردند. اما هیچ وقت هم از انتخابهای من راضی نبودند. هر قدمی که برمی‌داشتم مانعی جلوی راهم می‌گذاشتند... خیلی طول کشید تا درک کنند که این یک

تصمیم آگاهانه است و تا حدی برای انتخاب من احترام قائل شوند. اما بالاخره به آن مرحله رسیدند، در حالی که والدین بسیاری از کسانی که اسلام را کنار می‌گذارند، چنین درکی نشان نمی‌دهند. "من بعدا کسانی را شناختم که به همین دلیل ارتباطشان با خانواده قطع شده بود؛ چه به دلیل ترس از آزار و اذیت جسمی و روحی و چه به این دلیل که خانواده آنها را طرد کرده بود."

محمد و سارا بعد از شناختن یکدیگر تصمیم می‌گیرند دیگرانی را هم که شبیه خودشان هستند، پیدا کنند.

محمد می‌گوید: "سارا فکر می‌کرد تنها است. فکر کردیم احتمالا خیلی‌ها این طور فکر می‌کنند."

آنها تصمیم گرفتند به شهرهای دیگر بروند. در پاییز سال ۲۰۱۳ محمد و سارا گروه مسلمانان سابق آمریکای شمالی را تشکیل دادند و تبدیل به چهره عمومی ترک مذهب شدند.

در مسیر فعالیتها و تبلیغات خود محمد و سارا بارها تهدید شدند. محمد میگوید "معمولا از طریق ایمیل یا در شبکه‌های اجتماعی تهدید میشویم. گاهی یکی بدون آن که هدف خاصی داشته باشد بد و بی‌راهی می‌گوید اما کسانی هم هستند که تهدیدهای جدی و مشخص می‌کنند. اولین بار که این اتفاق افتاد به پلیس زنگ زدیم. آنها اصلا متوجه قضیه نشدند. با افسر آئی تماس گرفتیم و آنها فهمیدند که قضیه جدی است." گزارش می‌گوید "چهار سال بعد، شبکه محمد و سارا - که با حضور داوطلبان و کمک‌های اهدایی اداره می‌شود - در ۲۵ شهر آمریکای

گزارش و اخبار کوتاه از دانشگاه های ایران در هفته دوم آذرماه ۱۳۹۶

بهشتی و دانشگاه نیشابور بمناسبت روز دانشجو و قرائت بیانیه شوراها صنفی کشور
۹- بیانیه دانشجویان دادخواه دانشگاه ارومیه و اعتراض به برنامه بی محتوا و مضحک تشکلهای وابسته در دانشگاه بمناسبت روز دانشجو

۱۰- اعتراض دانشجویان دانشگاه قم به تفکیک جنسیتی در برنامه تدارک دیده شده بمناسبت روز دانشجو و ترک محل سخنرانی حاجی بابایی.

در پایان جا دارد که درخواست کنیم که به کانال ما در تلگرام جویین شوید و با پیامگیر تلگرام [@sjktamas](https://t.me/sjktamas) با ما در تماس باشید و اخبار و وقایع دانشگاه تان رو برای ما ارسال کنید و ما رو در دستیابی به خواسته هایمان همیاری کنید.

کاوه طهماسبی از طرف تیم ادینی کانال

کانال تلگرام: <https://t.me/sjktamas>
پیامگیر: [@sjktamas](https://t.me/sjktamas)

دانشجو و دانشگاه شریف در روز سه شنبه ۱۴ آذر که به صورت گسترده برگزار شد و قرائت بیانیه شورای صنفی ۳۲ دانشگاه کشور با خواسته های:

• لغای بدون چون و چرای کارورزی
• انحلال پردیسهای بین الملل
• توقف واگذاری فضای دانشگاه به بخش خصوصی و بازگردادن فضاهای واگذار شده
• پوشش کامل خدمات یارانه دولتی برای تغذیه، اسکان و حمل و نقل

• لغو قانون سنوات • حذف تهدیدها و برخوردهای امنیتی
• اعطای مجوز به تشکلهای مستقل و دگراندیش

• بازگشت دانشجویان ستاره دار و محروم از تحصیل به دانشگاهها
• لغای تبعیض های جنسیتی و جغرافیایی در گزینش دانشجویان
• حق تحصیل برابر
• تصحیح آیین نامه تشکلهای و شوراها صنفی و اعطای مجوز برای تشکیل اتحادیه شورای صنفی کشوری.

۸- تجمع دانشجویان دانشگاه

۱- اجرای برنامه نمادین توسط دانشجویان دانشگاه زنجان بمناسبت روز جهانی منع خشونت علیه زنان.
۲- تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه غیرانتفاعی علم و فرهنگ تهران نسبت به به بالا بودن شهریه ها، وضعیت نامناسب سلف و کیفیت پایین غذا و همینطور برخورد نامناسب حراست با دانشجویان.

۳- بنابر اعتراضات دو هفته ای دانشجویان نفت و عدم شرکت در کلاسها و تحصن شبانه در محیط دانشگاه در شانزدهمین روز مسئولین اقدام به تعطیل کردن دانشگاه و همچنین قطع آب و برق و گاز نمودند که اعتراض شدید و گسترده شوراها صنفی چندین دانشگاه کشور از جمله پلی تکنیک خوارزمی صنعتی کرمانشاه هنرهای زیبا علوم اجتماعی تهران نوشیروانی بابل دامغان سیستان بلوچستان بناب و... دنبال داشت و از اعتراضات دانشجویان نفت حمایت قاطع و اعمال مسئولین دانشگاه نفت را محکوم کردند و البته تحصن و اعتراضات دانشجویان نفت در آبادان، اهواز و مقابل وزارت نفت در تهران همچنان در حال برگزاری است.

۴- اعتراض دانشجویان دختر خوابگاه چمران دانشگاه تهران برای سومین بار در چند هفته اخیر نسبت به تبعیض های موجود و محدودیتهای تردد به خوابگاه انجام شد.

۵- تهدید و احضار شورای صنفی دانشگاه نوشیروانی بابل بعثت انتشار اخبار و تصاویر توزیع دوج فاسد و تاریخ مصرف گذشته توسط کمیته انضباطی دانشگاه.

۶- اعتصاب غذای دانشجویان دانشگاه هنر تبریز همزمان با تجمعات اعتراضی بمناسبت روز دانشجو و در اعتراض به مشکلات رفاهی و قرائت بیانیه در اعتراض به طرح کارورزی دولت.

۷- فراخوان تجمع اعتراضی فعالین دانشجویی چهار دانشگاه تهران، خوارزمی، علامه در روز دوشنبه ۱۳ آذر بمناسبت روز

ابتدا اشاره کردم جنبش اکس مسلم در آلمان و انگلستان رسماً ابراز وجود کرد اما در ادامه خود با سرعت بسیار امید بخشی در بسیاری از کشورهای حتی اسلام زده جایگاه خود را بدرجات قابل توجهی باز کرده است و فعالین و سخنگویان خود را پیدا کرده است. این جنبش است که باید با حمایت و پشتیبانی همه مردم آزاده و شریف بسیار بیش از اینکه هست تقویت شود و تعرض ارتجاع عقب مانده مذهبی به بشریت مدرن را تماماً عقب براند.

پیام به مناسبت سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران

سرکوبگرانه و جلوگیری از کار حافظان سرمایه داری در ایران به کار گرفته اند تا مگر بتوانند از نام و گسترش ادبیات این حزب خوشنام در میان مردم بکاهند، در مهم ترین مسایل و گفتارهای اجتماعی از قبیل مبارزه با فقر و گرانی و بیکاری و اعدام و زن ستیزی و حجاب اجباری و کودک آزاری و آزادی های بی فید و شرط سیاسی و... این ادبیات حزب است که دست بالا را دارد و به شکل های دیگر از زبان مردم و روزنامه نگاران و گاهی هم در بیان اختلافات جناحی سران و نمایندگان مجلس تکرار می شود.

نکته ای که یادآوری آن را لازم می دانیم، نقش کادرها و اعضا و رسانه های حزب است. این ها سرمایه های اصلی و اجتماعی حزب را تشکیل می دهند و باید در نگه داشتن و آمادگی اش بیش از پیش کوشید.

دوستان و همراهان!
یک بار دیگر سالروز تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران را به شما و همراهان تان شادباش می گویم و امیدواریم تا رسیدن روزهای سرشار از کامرانی و پیروزی، در شادی و پایدگی بمانید.
آزاده دربندی
آرش دشتی

شمالی حدود ۱۰۰۰ مسلمان سابق را جمع کرد. از ۲۰۱۳ یک گروه اکس مسلم درست کردند.
از اسلام برگشتگان آمریکای شمالی بخشی از جنبش جهانی آنتیست ها و از دین پریدگان هستند که بسرعت در همه جا رو به گسترش است. فعالین و دست اندرکاران این جنبش به شیوه های مختلف با هم در ارتباط قرار دارند و این ارتباطات به انتقال تجربیات و گسترش بیشتر آنها کمک میکند. همانگونه که در

با گرم ترین درودها یاران همراه!
بیست و ششمین سال پایه گذاری حزب کمونیست کارگری ایران را به هیات رهبری، کادرها، اعضا، دوستان و دوستانان در داخل و خارج کشور شادباش می گویم.
بیست و شش سال از زندگی سراسر مبارزه و مقاومت زنان و مردانی می گذرد که تصمیم گرفته اند با پیاده کردن برنامه ی روشن یک دنیای بهتر، به تمامی قید و بندها، غل و زنجیرها، قوانین پوسیده و کهنه و به ستم و سرکوب سرمایه داری در هر شکل و شمایل و رخت و ریختی "نه" بگویند و به آن پایان دهند.

بیست و شش سال از تولد حزبی می گذرد که از بطن یک جنبش اصیل سوسیالیستی و اجتماعی برخاسته است تا با راه رسمی نوین و با نقد و نگاهی مارکسی که پاهایش روی زمین سفت و سخت واقعیت هاست، نشانه های عقب مانده ای چپی ناسیونالیستی، ملی - اسلامی، رفورمیستی را از بدنه ی جنبش بزرگ و ریشه دار کمونیستی بزدایند و انسانی طراز نوین و دخالتگر و رها از همه ی وابستگی های نژادی، زبانی، قومی و دینی را برای تغییر انسانی و مدرن جهان بازتعریف کنند.
امروزه به رغم همه ی اقدامات

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید



دختران در صفوف اول اعتراضات دانشجویی بمناسبت روز دانشجو

شیرین شمس



روزهای ۱۳ و ۱۴ آذر ۹۶، به مناسبت روز دانشجو و به فراخوان دانشجویان چندین دانشگاه اعم از تهران، علامه طباطبایی، بهشتی، خوارزمی و صنعتی شریف، دانشجویان علیه فقر و محرومیت فشار اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، سیاست های خصوصی سازی، سیاست های ارزان سازی نیروی کار و بیکاری سازی ها، علیه تبعیض جنسیتی، وضعیت بد خوابگاه ها بخصوص خوابگاه های دخترانه، علیه دانشگاه پولی و پادگانی و علیه سرکوب که ابزار پیاده سازی همه قوانین ظالمانه و ضد انسانی حاکم است دست به تجمعات گسترده اعتراضی زدند. راهپیمایی دانشجویان در محوطه دانشگاه و سر دادن شعار و اجرای تاتر هم بخشی از این تجمعات اعتراضی بودند. در دانشگاه های بزرگ کشور بیانیه مشترک بیش از ۳۲ شواری صنفی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور که بیانیه ای است علیه وضعیت موجود، و بمناسبت فرا رسیدن ۱۶ آذر روز دانشجو صادر شده، قرائت شد.

در این میان نقش دختران دانشجو به عنوان نیروهای فعال و دخالتگر دانشجویی برجسته بود. حضور دختران دانشجو در صفوف

موجود، علیه تبعیض و بردگی زن یک بار دیگر نشان میدهد علی رغم سرکوبهای چند دهه حاکمیت جمهوری اسلامی و علی رغم تعریف نقش زن به عنوان خانه دار، شوهر دار و بچه دار توسط این حاکمیت و رهبران، این نقشها هرگز از طرف توده زنان در ایران قابل پذیرش نبوده، نیست و نخواهد شد. نقشی که امروز زنان پیشرو ایفا میکنند، بخشی از رهبری و سازماندهی اعتراضات علیه وضعیت موجود است. امروز دختران در نقشهای دانشجو، زن آواره، معلم، کارگر، و آب و ... نقش ایفا کردند به نقل از یکی از دانشجویانی که در تجمع حضور داشته "حضور دخترها خوب بود، نسبتا هم در راس امور و سازماندهی حضور داشتند، در کل نسبت خوبی از حضور دختران را در تجمع اعتراضی نسبت به سالهای گذشته شاهد بودیم".

حضور فعالانه دختران دانشجو در اعتراضات اخیر علیه وضعیت

حضور فعالانه زنان در عرصه های مختلف اجتماعی نشان بسیار خوبی از روحیه مبارز و عملگرایی زنان در ایران و نشان خوبی از پیشروی های جنبش های اجتماعی و پیوند آنها با یکدیگر در راستای تغییر ریشه ای وضعیت موجود است.

انترناسیونال

نشریه حزب
کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان
مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

در آستانه ۱۶ آذر دانشجویان چندین دانشگاه دست به تجمع زدند

۱۶ آذر روز دانشجو صادر شده است، این روز را نماد مبارزه دانشجویان پیشرو در راه عدالت و آزادی و روز اعتراض به بیکاری و فقر گسترده و اقتصاد مقاومتی خوانند و اعلام کردند که دست زورمندان اقتصادی و سیاسی باید از دانشگاه کوتاه شود. در این بیانیه به سرکوب تشکل های کارگری به منظور کنترل و ارزان سازی نیروی کار، به دستمزدهای ناچیز معلمان و کارگران، به افزایش هزینه درمان و به سرکوب ها و بی حقوقی های دانشجویان و مردم پرداخته شده و خواست های دانشجویان در یازده بند اعلام شده است. دانشجویان با این بیانیه که در ادامه بیانیه سال قبل منتشر شده، بعنوان بخشی از طبقه کارگر، همسرنشینی خود را با کارگران و اکثریت محروم جامعه اعلام کرده و با صدایی رسا علیه بیعدالتی و استثمار و ظلم و سرکوب و علیه مفتخوران حاکم دست به اعتراض زده اند.

اعتراضات دانشجویان، بیانیه ها و شعارهای آنها در سالهای اخیر نشان میدهد که جامعه چگونه به چپ میچرخد و همبستگی میان بخش های مختلف طبقه کارگر محکم تر و عمیق تر میشود و اقلیت حاکم و حکومت اسلامی آنها را با خواست ها و شعارهای آزادیخواهانه و عدالت طلبانه به مصادف می طلبد. تجمعات دانشجویان انعکاسی از فضای پر تحرک جامعه در شرایط امروز ایران است.

زنده باد همبستگی طبقاتی علیه
استثمارگران و سرکوبگران
زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ آذر ۱۳۹۶، ۴ دسامبر ۲۰۱۷

امروز ۱۳ آذر دانشجویان دانشگاه های تهران، علامه طباطبایی، بهشتی، خوارزمی و ... دست به تجمعات اعتراضی زدند و علیه کالایی کردن دانشگاه و شهریه اجباری، علیه تبعیض جنسیتی و دانشگاه های پادگانی، علیه احضارها و بی حقوقی ها و علیه فقر و محرومیت مردم اعتراض کردند. دانشجویان در تجمعات اعتراضی خود خواهان تحصیل رایگان، درمان رایگان و کار و مسکن برای مردم شدند.

دانشجویان با پلاکاردها و شعارهایی مانند: از آبادان تا تهران سرکوب دانشجویان، دانشگاه پولگردان تضعیف زحمتکشان، نه به طرح کارورزی نه به ارزان سازی نیروی کار، تبعیض جنسیتی محکوم است، تشکل وابسته نمیخواهیم، در دانشگاه بیکاری بعد از تحصیل بیکاری، منطق سرمایه داری استثمار و بیکاری، به تهاید و یا احضار-ساکت نمی شیم اینبار، مسکن و کار و درمان-آموزش رایگان خواسته زحمتکشان، بهداشت-مسکن-درمان عمومی وظیفه دولت است، آموزش و سلامت در خدمت تجارت، خوابگاه دخترانه-زندان زندانه، وعده وعید نمیخوایم جواب قاطع میخواستیم و آموزش حق مسلم ماست اعتراض و انزجار خود را علیه تبعیضات و بیعدالتی ها و علیه بی حقوقی خود و اکثریت جامعه اعلام کردند. امروز در دانشگاه تهران نیز تئاتر توسط دانشجویان دختر و پسر اجرا شد که در آن دانشجویان خود را صدای تاریخ و پیشروان جهان جدید و بیرق داران رهایی سرکوب شدگان و کارگران اعلام کردند.

در بیانیه ای نیز که توسط بیش از ۳۲ تشکل دانشجویی به مناسبت

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com